فجرنامه

منوچهر محمدی از همکاری با مرحوم سیف‌الله داد می‌گوید

مرحوم داد متخصص‌ترین دبیر جشنواره بود

صفحه۲۸

بولتن مجازی سی و نهمین جشنواره فیلم فجر ◇ جمعه ۳ بهمن ۱۳۹۹

معرفی 31 فیلم اول متقاضی حضور در جشنواره فیلم فجر

گوی و میدان در دست تازه‌واردان دنیای کارگردانی

آن‌چه بر فیلم‌های جوانان در جشنواره گذشت

سیمرغ‌هایی همراه اشک شوق

۱۸

هارون یشایایی، تهیه‌کننده با سابقه سینما

بدون در نظر گرفتن یهودی بودنم به من جایزه دادند

۳۸

فهرست

۳ سرمقاله به قلم عبدالحسن برزیده؛ حس شـیرین سیمرغ فیلم اولی

۴ مروری بر مهم‌ترین اخبار هفته

۶ بازتاب مهم‌ترین اخبار هفته

۱۰ معرفی ۳۱ فیلم اول متقاضی حضور در جشنواره فجر

۱۶ اینفوگرافیک؛ صاحبان سیمرغ بهترین فیلم

۱۸ آن چه بر فیلم‌های جوانان در جشنواره گذشت

۲۶ یادداشت جمشید محمودی درباره حضور فیلم اولی‌ها در جشنواره

۲۸ گفت‌وگو با منوچهر محمدی درباره چهار دوره دبیری مرحوم سیف‌الله داد در جشنواره فجر

۳۸ هارون یشایایی، تهیه‌کننده فیلم‌های مطرح سینما، از تجربه حضور در جشنواره فجر می‌گوید

۴۳ یادداشت به قلم رضا صائمی؛ خوانش داوری در نگاه داوران جشنواره

۴۴ قاب فجر

شناسنامه

بولتن مجازی سی و نهمین جشنواره فیلم فجر

مدیرمسئول: سیدمحمدمهدی طباطبایی‌نژاد
زیر نظر مسعود نجفی (مدیر روابط عمومی جشنواره)
سردبیر: سمیه علیپور
همکاران تحریریه: نژلا پیکانیان، زهرا نجفی و محمدمهدی درستی
با تشکر از: فاطمه استیری، علی افشار، رضا صائمی و محمد تهرانی
ویراستار: شیدا محمدطاهر

مدیر هنری: علی شکوری
دبیر عکس: محمدحسن هندی
گرافیک: محمدصدرا جوانمردی
عکس: محسن سعادت، بهار عسگری

سرمقاله

حس شیرین سیمرغ فیلم اولی

عبدالحسن برزیده، کارگردان

با این‌که «دکل» اولین فیلم سینمایی‌ام بود و برای اولین بار بود که در جشنواره فیلم فجر شرکت می‌کردم، مطمئن بودم که جایزه خواهم گرفت. به این دلیل که در طول تدوین و مراحل مختلف پس از تولید فیلم، سینماگران بسیاری فیلم را دیدند و نظرشان مثبت بود. خودم هم اهل فیلم دیدن بودم و کارم سینما بود. بنابراین با توجه به شناختم از سینما، امیدوار بودم که جایزه بگیرم. مهم‌ترین رقیب من در آن دوره آقای اسعدیان بود که با اولین فیلمش در بخش فیلم اولی‌ها حاضر بود. ولی باز هم فیلم «دکل» به لحاظ پرداکشن قوی بود و صحنه‌هایی داشت که می‌توانست مخاطبان و داوران را تحت تاثیر قرار دهد.

حضور در جشنواره فیلم فجر اولین مواجهه من با مقوله جشنواره نبود. پیش از آن در جشنواره تئاتر فجر شرکت کرده و چند جایزه گرفته بودم. پس با خود برگزاری جشنواره و شرایط آن تا حدودی آشنا بودم و برایم خیلی غیرمنتظره نبود. حضور در جشنواره فیلم فجر برایم لذت‌بخش بود، چون وقتی فیلم می‌سازید، می‌خواهید واکنش و نظر مخاطبان فیلم را بدانید و حضور در جشنواره فیلم فجر باعث می‌شد تا من به شکلی نظرات مردم را بشنوم. در یکی از نمایش‌های فیلم چند خانم با دیدگاه‌های مختلف به سراغ من آمدند و از تماشای فیلم اظهار خوشحالی کردند. آن‌ها می‌گفتند که شما در این فیلم از زاویه جدیدی به جنگ نگاه کردید و حضور زنان را در جنگ تحمیلی نمایش دادید. انگار خانم‌ها احساس می‌کردند در فیلم «دکل» دیده شده‌اند. خودم هم این نظر را داشتم. پیش از ساخت فیلم «دکل» همیشه احساس می‌کردم جای زنان در فیلم‌های دفاع مقدس خالی است. من با خانواده‌ام، مادرم، همسرم و خواهرم در جنگ زندگی کرده بودم و به‌خوبی می‌دانستم شاید میدان جنگ مردانه به نظر برسد، ولی زنان هم در آن مشارکت دارند.

در آن دوران نگاه‌ها در داوری به جوانان متفاوت از امروز بود. یکی از داوران آن دوره از جشنواره فیلم فجر که البته استاد خود من هم بود، مرا به کناری کشید و گفت: «ما می‌خواستیم جایزه اصلی را به تو بدهیم، ولی چون جوان هستی، یک‌دفعه ممکن است «قرتی» بشوی. به همین دلیل این جایزه را به تو ندادیم.» نمی‌دانم چقدر این استدلال درست بود، امیدوارم امروز این‌طور نباشد. حضور در بخش فیلم اولی‌های جشنواره فیلم فجر برای من تجربه باارزشی بود، البته این‌که چه تاثیری از جشنواره بگیرید، بیشتر به این بستگی دارد که از چه نوع فیلم‌سازانی باشید. برخی از فیلم‌سازان تنها مشتاق دیده شدن‌اند. در مورد آن‌ها ممکن است موفقیت یا حتی حضور در هر جشنواره‌ای باعث آسیب شود. چون گاهی ممکن است به دلیل این‌که می‌خواهند فیلمشان را به جشنواره برسانند، با عجله آن را بسازند، درحالی‌که اگر کمی صبوری می‌کردند، می‌توانستند فیلم بهتری بسازند.

اعتراف می‌کنم تجربه جایزه گرفتن برایم بسیار شیرین و گوارا بود و حضور در جشنواره بسیار لذت‌بخش. جشنواره باعث ایجاد انگیزه در من و دیگر فیلم‌سازان شد و به ما اعتمادبه‌نفس داد. ولی این به شرطی خوب است که اصل یا هدف از فیلم‌سازی، جشنواره و جایزه نباشد. در آن سال‌ها اتفاق دیگری هم برای برندگان می‌افتاد. من این موضوع را از خیلی‌ها، به‌خصوص بازیگران آن دوران، شنیده‌ام که وقتی جایزه می‌گرفتند، دیگر کسی به سراغشان نمی‌آمد. چون تصور می‌کردند ممکن است به خاطر دریافت جایزه دچار غرور شوند و بخواهند متفاوت کار کنند.

جایزه گرفتن در جشنواره فیلم فجر، به‌خصوص با اولین فیلم، قطعا مسئولیت فیلم‌ساز را بالا می‌برد، چون رکوردی زده‌اید و در دوره‌های بعدی دیگرانی می‌آیند که رکورد شما را می‌شکنند و شما باید دوباره رکورد آن‌ها را بزنید. یعنی حتی اگر نتوانید بهتر از قبل بشوید، نباید فیلمی بسازید که کیفیت پایین‌تری نسبت به فیلم قبلی‌تان داشته باشد.

مروری بر مهم‌ترین اخبار هفته

امیدوار به برگزاری جشنواره فیلم فجر با حضور مخاطبان

حضور رئیس سازمان سینمایی و رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در دبیرخانه سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر از مهم‌ترین اتفاقات این رویداد سینمایی در هفته گذشته بود.

◇ بازدید حسین انتظامی از ستاد برپایی جشنواره فیلم فجر

حسین انتظامی، رئیس سازمان سینمایی، عصر روز دوشنبه، ۲۹ دی، از دبیرخانه سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر بازدید کرد.

انتظامی در فاصله ۱۳ روز تا آغاز سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر، ضمن شرکت در جلسه شورای برگزاری جشنواره، از بخش‌های مختلف ستاد برگزاری بازدید کرد و در جریان پیشرفت امور و چشم‌انداز فعالیت‌ها و برنامه‌های پیش رو قرار گرفت.رئیس سازمان سینمایی هم‌چنین پس از بازدید از دبیرخانه جشنواره، در جمع داوران بخش مسابقه سینمای ایران (سودای سیمرغ) حاضر شد و از تلاش شبانه‌روزی آن‌ها برای بازبینی و قضاوت فیلم‌ها در شرایط جدید تعیین‌شده قدردانی کرد.

انتظامی در این دیدار بیان کرد: به منظور برگزاری هر جشنواره کارویژه‌های سنتی تصور می‌شود، مانند بحث رقابت، بحث شناسایی استعداد، بحث آموزش و بازارهایی که در کنار برخی جشنواره‌ها به وجود آمده است. جشنواره فیلم فجر اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی و هنری کشور است و در ساحت سینما اهمیت سنتی خودش را دارد، به نحوی که سال سینمایی ما با جشنواره فیلم فجر شروع می‌شود و این رویکرد طی سالیان گذشته تبدیل به یک فرهنگ غالب شده است.

رئیس سازمان سینمایی در ادامه با اشاره به برپایی جشنواره فیلم فجر در دوران شیوع کرونا بیان کرد: مشخصا امسال پدیده‌ای به کل دنیا تحمیل شد که دو واکنش نسبت به این پدیده وجود داشت. یکی از واکنش‌ها قرار گرفتن در موقعیتی دفاعی بود که به واسطه آن می‌بایست همه اتفاقات را تعطیل و برای آن بهانه‌های بهداشتی و اجتماعی پیدا کرد. مثل این‌که ما باید در حالت قرنطینه باشیم و قرنطینه به معنای یک وضعیت شبه‌تعطیل

یا نیمه‌تعطیل است. اما واکنش دیگری نیز امکان‌پذیر بود که مدیران در سازمان سینمایی و دبیرخانه جشنواره‌ها آن را دنبال کردند، که این اتفاق در مسیر تولید سینمایی ما هم رخ داد.
انتظامی تاکید کرد: سینما اصولا نسبت به تحولات جلودار است و مسائل را زودتر رصد می‌کند، خیلی دقیق و ریزبینانه متوجه آن می‌شود و خود را سریع‌تر با تغییرات منطبق می‌کند. از پس این تجربه بود که ما متوجه شدیم باید زیست کرونایی را جدی بگیریم. این زیست زمانی در ساحت تولید و وقتی دیگر در ساحت جشنواره رخ می‌دهد. به همین جهت تصمیم مدیران سینمایی طی مشورتی که با صنوف داشتند، این بود که جشنواره‌ها، به‌خصوص جشنواره فیلم فجر را دنبال کنند.
او ادامه داد: مدیران جشنواره از روز نخست شکل برگزاری را در دو سه سطح تعیین کردند که یکی نگاه حداقلی بود و دیگری نگاه حداکثری. در سطح اول بنا بر این بود که داوران فیلم‌ها ببینند و داوری کنند و سپس آثار برجسته به جامعه سینمایی معرفی شود. سطح دوم این بود که اصحاب رسانه، منتقدان و صاحبان آثار هم بتوانند فیلم‌ها را تماشا کنند و سطح سوم هم نمایش فیلم‌ها برای عموم بود، که خوش‌بختانه در مسیر تعامل با ستاد ملی مبارزه با کرونا، آمادگی‌ها و رعایت دستورالعمل‌ها امید است که در جریان برگزاری جشنواره به تحقق سطح سوم برسیم.
انتظامی در بخش دیگر سخنان خود، تاکید کرد: حسن جشنواره امسال این بود که بنا به ملاحظات و دلایل دیگر تعاریف و رویه‌های جدیدی شکل گرفت و این تجربه اگر موفق باشد، می‌تواند اساس ادامه جشنواره در سال‌های آینده باشد.
او هم‌چنین درباره کارکرد هیئت انتخاب در جشنواره فجر توضیح داد: یکی از کارویژه‌های هیئت انتخاب سرند کردن فیلم‌ها از جهت ارزش‌های هنری و تکنیکی است. هیئت انتخاب عمدتا در سالیان گذشته هم بیشتر نقش ممیزی نداشت، بلکه با توجه به محدودیت ظرفیت نمایشی، از بین متقاضیان، صرفا فیلم‌هایی را که بعدها در یکی از رشته‌ها نامزد خواهند شد، انتخاب می‌کرد. الان این اقدام را داوران به صورت مستقیم انجام می‌دهند و حسنش این است که فضای کلی تولیدات سینمای ایران را دوره می‌کنند و از بین آن آثار برجسته‌تر را داوری می‌کنند.

◇ برپایی مردمی جشنواره با اعمال محدودیت‌ها

کیانوش جهانپور، رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، با حضور در دبیرخانه سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر، از ستاد برگزاری و بخش‌های مختلف اجرایی جشنواره بازدید کرد و در جریان چگونگی برگزاری این دوره جشنواره و جزئیات برنامه‌های طراحی‌شده در جهت اجرای پروتکل‌های بهداشتی در سینماها در سطح دوم و سوم (نمایش برای رسانه‌ها، هنرمندان و نمایش برای مردم) قرار گرفت.
کیانوش جهانپور در این بازدید گفت: این انتظار که جشنواره مانند سال‌های قبل برگزار شود، طبیعتا وجود ندارد. اگرچه به واسطه محدودیت‌هایی که اعمال شده، شرایط مبتلایان و مرگ‌ومیر ناشی از کرونا با نزدیک شدن به روزهای برگزاری جشنواره بهبود پیدا کرده و کمتر شده است، اما نکته مهم آن است که این موضوع وجهی شکننده دارد و این شکنندگی در اوضاع، این هشدار را باقی می‌گذارد که رعایت پروتکل‌های بهداشتی، شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های بهداشتی باید صورت بگیرد. لذا جشنواره امسال تفاوت عمده‌ای با ادوار گذشته خود دارد.
او در ادامه بیان کرد: البته ممکن است در این اوضاع ظرفیت‌های جدیدی هم در ارتباط با مخاطب به وجود بیاید. اما جشنواره سی‌ونهم با محدودیت‌ها و ارزیابی‌ای که از ریسک آن وجود دارد، برگزار خواهد شد و امیدواریم جشنواره در سال آینده به روال سال‌های قبل خود بازگردد و استقبال حداکثری از سوی مخاطبانش داشته باشد؛ نکته‌ای که قاعدتا در سال جاری مقدور نیست.
جهانپور هم‌چنین گفت: پروتکل‌ها و شیوه‌نامه‌هایی که وزارت بهداشت در نظر گرفته است، به نوعی جامع است که وادی‌ها و مشاغل مهم از جمله سینما و مسائل مربوط به جشنواره‌ها را هم شامل می‌شود. در تعیین پروتکل‌ها سعی بر این بود که ضمن حفظ رویدادها و برگزاری آن‌ها محدودیت‌هایی اعمال شود که سلامت رویداد و مخاطبان در آن لحاظ شود.
رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اظهار داشت: هنر و به‌خصوص هنر هفتم از جهت انتقال پیام، اطلاع‌رسانی، آموزش و هم‌چنین از جهت ثبت رویدادها و تجربیاتی که رخ داده، به عنوان یک نگاه زیبایی‌شناسانه و خلاق در کنار کادر درمان و حافظان سلامت خواهد بود. سینما به واسطه نحوه ارتباط چندجانبه و غیرخطی که دارد، قاعدتا در این زمینه موثرتر، راه‌گشاتر و با ضریب نفوذ بیشتری عمل خواهد کرد.
او خطاب به مخاطبان سینمای ایران تاکید کرد: استدعایی که از مردم داریم، آن است که در جشنواره فیلم فجر به عنوان مهم‌ترین رخداد سینمایی کشور با رعایت اصول و توصیه‌های بهداشتی شرکت کنند و هم‌زمان از این جشنواره و رویداد استفاده کافی را ببرند.

بازتاب اخبار هفته

سودای سیمرغ جشنواره فیلم فجر روی خروجی رسانه‌ها

بررسی آثار حاضر در بخش سودای سیمرغ سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر مهم‌ترین موضوعی بود که رسانه‌ها در هفته گذشته به آن پرداختند.

جزئیات برگزاری و داوری آثار جشنواره، وضعیت نمایش فیلم‌ها برای مخاطبان، حضور فیلم‌سازان زن در جشنواره سی‌ونهم و... سرخط مهم‌ترین اخبار رسانه‌ها درباره جشنواره فیلم فجر در هفته گذشته بود.

◇آخرین جزئیات درباره برگزاری و داوری آثار جشنواره

جزئیات داوری آثار حاضر در سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر و وضعیت پروانه ساخت آثـــار، از جمله مســـائل پراهمیت جشـــنواره بود که مسعود نجفـــی، مدیر روابط عمومی سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر، در گفت‌وگوی برخط با برنامه «شهر فرنگ» شبکه خبر در این‌باره توضیح داد: ۱۱۰ فیلم متقاضی حضور در جشنواره بودند که در زمان مقرر ثبت‌نام کردند و درنهایت ۶۲ فیلم از سوی دبیرخانه اعلام شد. فیلم‌ها با آیین‌نامه جشنواره مورد بررسی قرار گرفتند و داشتن پروانه ساخت سینمایی نکته مهمی در ارزیابی بود. بیشتر فیلم‌ها به دلیل نداشتن پروانه ساخت سینمایی حذف شدند. سال تولید و این‌که هیئت انتخاب سال گذشته فیلم را دیده باشند یا نه، از دیگر موارد ارزیابی بود. نجفی هم‌چنین در گفت‌وگویی دیگر در پاسخ به این‌که آیا شیوه برگزاری بخش مردمی، رسانه‌ها و هنرمندان در جشنواره امسال مشخص شده است یا نه، به خبرگزاری صبا گفت: در یک تا دو روز آینده قرار است جلسه‌ای با ستاد ملی مقابله با کرونا و مسئولان وزارت بهداشت داشته باشیم و در این‌باره صحبت کنیم.

نجفی همچنین درباره احتمال نمایش فیلم‌ها برای مخاطبان در جشنواره سی و نهم به بخش خبری ساعت ۲۰ شبکه چهار سیما گفت: در صورت نهایی شدن برپایی جشنواره در سینماهای مردمی، بلیت‌فروشی با ۳۰ درصد ظرفیت سالن‌ها انجام خواهد شد و در خدمت علاقه‌مندان به جشنواره فیلم فجر خواهیم بود.

◇ اما و اگرها درباره حضور مخاطبان در جشنواره سی‌ونهم

چگونگی اکران مردمی فیلم‌های حاضر در جشنواره فیلم فجر از موضوعات مورد توجه مخاطبان و سینماداران است. خبرگزاری ایسنا در گزارشی به جزئیات این موضوع پرداخت که در بخشی از آن آمده است: اجازه برگزاری جشنواره در سطح سوم و نمایش فیلم‌ها برای مردم فعلا به صورت شفاهی صادر شده و هفته آینده در صورت صدور مجوز کتبی برپایی بخش مردمی جشنواره قطعی می‌شود. بااین‌حال، ستاد برگزاری جشنواره همانند آن‌چه برای سطح دوم یعنی حضور اصحاب رسانه و منتقدان پیش‌بینی کرده بود، مقدماتی را برای حضور احتمالی مردم هم تدارک دیده است و گویا سینماهای زیادی متقاضی شرکت در اکران مردمی جشنواره هستند.

سوره سینما هم در گزارشی از آمادگی حوزه هنری برای میزبانی از مخاطبان جشنواره فیلم فجر خبر داد. در گزارش این رسانه آمده است: با توجه به موافقت رسمی وزارت بهداشت با برگزاری مردمی جشنواره فیلم فجر، سینماهای حوزه هنری پس از تجربه ۱۵ روز بازگشایی اخیر مطابق پروتکل‌های بهداشتی، آمادگی میزبانی امن از مخاطبان در جشنواره سی‌ونهم فیلم فجر را دارند. حضور توامان بیش از ۳۰ هزار تماشاگر در دو هفته اخیر در ۴۰ سینمای بازگشایی‌شده حوزه هنری ضمن رعایت محدودیت ظرفیت ۵۰ درصدی و تجربه اجرای پروتکل‌های بهداشتی در سالن‌های سینما، گواه این است که می‌توان در راستای ماهیت اصلی جشنواره فجر در دهه فجر انقلاب اسلامی، مطابق با استانداردهای بهداشتی میزبان مخاطبان بود.

◇ پای سیاست با چه فیلم‌هایی به جشنواره فجر باز می‌شود؟

حضور چند فیلم با موضوعات سیاسی در سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر، سوژه‌ای بود که مورد توجه خبرگزاری پانا قرار گرفت که در بخشی از گزارش این رسانه در این‌باره آمده است: سیاست و سینما همیشه

رابطه نابه‌هنجاری با هم داشته‌اند. هر چه سیاست روایت‌گر تاریکی‌ها در ذهن ملت‌ها بوده و مملو از ابهام و سوال، اما سینما همواره رسالت آگاهی‌رسانی و روشن‌گری را برای خود برگزیده است. این تناقض هرکجا دستاویز سوژه‌های سینمایی شده، آثار جذابی برای مخاطب تولید شده است. فیلم‌های سیاسی که در سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر داوری می‌شوند، تنها پنج فیلم «هُرماس»، «یقه‌سفیدها»، «آفتاب نیمه‌شب»، «پدری» و «منصور» هستند.

◇ ۱۰ فیلم کنجکاوی‌برانگیز «فجر۳۹»

حضور تازه‌ترین فیلم کارگردانان مطرح و نام‌آشنای سینمای ایران در سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر از جمله موضوعاتی است که خبرگزاری مهر در گزارشی تحت عنوان ۱۰ فیلم کنجکاوی‌برانگیز «فجر ۳۹» به آن پرداخته است که در بخشی از آن آمده است: دلیل اصلی پرداختن به این ۱۰ فیلم سابقه کارگردانانشان بوده است. «ابلق» ساخته نرگس آبیار، «قاتل و وحشی» به کارگردانی حمید نعمت‌الله، «شیشلیک» اثر محمدحسین مهدویان، «چپ، راست» ساخته حامد محمدی، «بدون همه چیز» ساخته محسن قرایی، «تی تی» به کارگردانی آیدا پناهنده، «ستاره بازی» ساخته هاتف علیمردانی، «کارو» اثر احمد مرادپور، «روشن» به کارگردانی روح‌الله حجازی و «رمانتیسم عماد و طوبی» ساخته کاوه صباغ زاده آثاری هستند که اگر روی کاغذ ویژگی‌هایشان را بنویسیم، احتمالا می‌توانند قابل رصد باشند.

◇ حضور پرشور کارگردان‌های زن در جشنواره فیلم فجر

خبرگزاری سلامت هم در گزارشی به حضور کارگردان‌های زن سینما در جشنواره سی‌ونهم پرداخت که در بخشی از آن آمده است: حضور کارگردان‌های زن در سینما در جشنواره به ایجاد همگونی در نوع نگاه‌ها و غالب نشدن دیدگاه مردانه کمک می‌کند، و اساسا سینما نیازمند دیدگاه‌های متفاوت است تا بتواند سلیقه‌های گوناگون را راضی کند. حضور هفت

فیلم‌ساز زن در این دوره از جشنواره شاید کافی و راضی‌کننده نباشد، اما می‌توانند هموارکننده مسیر برای آینده‌ای بهتر باشد. در این دوره نرگس آبیار با فیلم «ابلق»، آرزو ارزانش با «آهنگ دونفره»، ستاره اسکندری با «خورشید آن ماه»، رقیه توکلی با «مهران»، آیدا پناهنده با «تی تی»، فرنوش صمدی با «خط فرضی» و مریم بحرالعلومی با «شهربانو» زنان فیلم‌ساز متقاضی حضور در جشنواره هستند.

◇ ستاره‌هایی با فیلم کمدی و جدی در فجر ۹۹

امسال در جشنواره فیلم فجر برخی از بازیگران علاوه بر فیلم کمدی، در یک یا دو فیلم غیرکمدی نیز نقش‌آفرینی کرده‌اند؛ سوژه‌ای که روزنامه خراسان در گزارشی به آن پرداخت که در بخشی از این گزارش آمده است: آثار کمدی سهم زیادی در میان فیلم‌های متقاضی شرکت در جشنواره دارند. جمشید هاشم‌پور، رضا عطاران، پژمان جمشیدی، باران کوثری، ستاره اسکندری، ژاله صامتی و سحر قریشی هفت بازیگری هستند که با دو فیلم کمدی و غیرکمدی در جشنواره امسال قضاوت خواهند شد.

◇ نگاهی به اسامی فیلم‌های جشنواره

خبرگزاری آنا هم در گزارشی به سراغ اسامی فیلم‌های سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر رفته است که در بخشی از آن آمده است: در یک هفته اخیر اخبار و تحلیل‌های متنوعی درباره فهرست فیلم‌های این دوره از جشنواره فیلم فجر منتشر شد. بررسی این فهرست از زاویه نام‌گذاری فیلم‌ها و چیستی اسامی آن نیز در جای خود قابل توجه به نظر می‌رسد. نام‌گذاری آثار سینمایی مثل هر اثر هنری دیگر، بیشتر تابع ماهیت آن و البته سلیقه و روحیات سازنده است. بااین حال، در سال‌ها و به عبارت بهتر دهه‌های اخیر شاهد نوعی مد شدن شیوه نام‌گذاری فیلم‌ها بوده‌ایم.

◇ فیلم‌اولی‌هایی که ناآشنا نیستند

روزنامه ایران هم در گزارشی به چهره‌های آشنایی پرداخته است که در جشنواره امسال با نخستین ساخته سینمایی خود حضور دارند. در بخشی از گزارش این رسانه آمده است: ستاره اسکندری و حمیدرضا آذرنگ بازیگرانی هستند که امسال در قامت فیلم‌ساز در جشنواره حضور دارند. اسکندری «خورشید آن ماه» را به جشنواره فیلم فجر ارسال کرده است و آذرنگ با «روزی روزگاری در آبادان» که احتمالا برگرفته از نمایشنامه‌ای است که او سال‌ها قبل روی صحنه برده، در جشنواره سی‌ونهم حضور پیدا کرده است. شهاب حسینی دیگر بازیگری است که البته در مقام تهیه‌کننده پشت دوربین حضور یافته و «بعد از اتفاق» را به کارگردانی پوریا حیدری اوره راهی جشنواره فیلم فجر کرده است. علی مصفا که حالا بیشتر به عنوان تهیه‌کننده فعال است، «خط فرضی» فرنوش صمدی را به جشنواره فجر آورده است. از دیگر نام‌های آشنا می‌توان به هوشنگ گلمکانی، حسین سهیلی‌زاده، محمدامین کریم‌پور و ادوین خاچیکیان اشاره کرد.

◇ سینماهایی که جشنواره چراغشان را روشن نگه می‌داشت

سینماهایی که در جشنواره فیلم فجر میزبان مخاطبان هستند، سوژه گزارشی در روزنامه هنرمند شد که در بخشی از آن آمده است: در طول ۳۸ دوره گذشته، سینماهایی مثل «آزادی»، «فرهنگ»، «عصرجدید»، «شهرقصه»، «بهمن»، «کریستال»، «فلسطین»، «کانون»، «آفریقا»، «قدس»، «سپیده»، «ماندانا» و... سینماهایی بودند که بیشترین میزبانی را از مخاطبان جشنواره فیلم فجر داشته‌اند. سینماهایی که هر کدام به دلیل موقعیتشان توانسته‌اند هر سال این امکان را برای خود فراهم کنند که به عنوان سینماهایی تجربه پس‌داده، به محل رفت‌وآمد مخاطبان جشنواره بدل شوند. در دوره‌های متعدد سینماهایی مثل سعدی، سروش، استقلال، کانون فیلم تهران، بلوار و قیام هم دو تا سه بار میزبان جشنواره بوده‌اند.

◇ شرایط ویژه میزبانی سینماهای مردمی فجر ۳۹

جزئیات میزبانی سینماهای مردمی از مخاطبان در جشنواره فیلم فجر هم موضوعی بود که خبرگزاری مهر به آن پرداخت. در بخشی از گزارش این رسانه آمده است: پس از چراغ سبز رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت بهداشت طی بازدید از ستاد برگزاری جشنواره فیلم فجر برای میزبانی از مردم با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، احتمال فعال شدن بخش مردمی سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر قوت گرفته است. از هفته گذشته دست‌اندرکاران دبیرخانه جشنواره فجر جلساتی را با صاحبان سامانه‌های آن‌لاین فروش بلیت با محوریت سمفا داشته‌اند تا برنامه‌ریزی‌ها برای انجام بلیت‌فروشی مردمی صورت بگیرد. در این جلسات مقرر شده مثل سال‌های گذشته یک سامانه خاص به صورت انحصاری متولی فروش بلیت نباشد. به این ترتیب، انحصار شکسته می‌شود. هم‌چنین قرار است هر سامانه‌ای که تمایل به بلیت‌فروشی در جشنواره دارد، درخواست خود را اعلام و نیازهای فنی خود را در این مدت آماده کند.

اینفوگرافیک: ماجیان سیمرغ بهترین فیلم

اوج گیری در جوانی

معرفی ۳۱ فیلم اول متقاضی حضور در جشنواره

گوی و میدان در دست تازه‌واردان دنیای کارگردانی

آن چه بر فیلم‌های جوانان در جشنواره گذشت

سیمرغ‌هایی همراه اشک شوق

معرفی ۳۱ فیلم اول متقاضی حضور در جشنواره

گوی و میدان در دست تازه‌واردان دنیای کارگردانی

۳۱ فیلم سینمایی امسال در میان آثاری که حائز شرایط بررسی از سوی داوران هستند، به چشم می‌خورند؛ این یعنی بیش از نیمی از فیلم‌هایی که از سوی داوران بازبینی خواهد شد، ساخته کارگردانان فیلم اولی است.

حضور این تعداد فیلم اول در جشنواره، آن هم در سالی که به دلیل کرونا شرایط تولید سخت بود، بیش از پیش توجه‌ها را به جوانان و فیلم‌سازان تازه‌وارد این دوره از جشنواره جلب می‌کند.

«آهو» هوشنگ گلمکانی، «اتومبیل» علی میری رامشه، «بعد از اتفاق» پوریا حیدری اوره، «بی‌آبان» مهرداد کوروش‌نیا، «پدری» حسین دارابی، «تارا» کاوه قهرمان، «تروا» محمد علیزاده فرد، «حرف آخر» ابراهیم شفیعی، «حکم تجدید نظر» محمدامین کریم‌پور، «خانه ماهرخ» شهرام ابراهیمی، «خط فرضی» فرنوش صمدی، «خورشید آن ماه» ستاره اسکندری، «روز ششم» حجت قاسم‌زاده اصل، «روزی روزگاری، آبادان» حمیدرضا آذرنگ، «زالاوا» ارسلان امیری، «زد و بند» داود نوروزی، «سه روز و سه قتل» مسعود امینی تیرانی، «سیاه‌باز» حمید همتی، «شهربانو» مریم بحرالعلومی، «شیرجه بزرگ» کریم لک‌زاده، «طبقه یک و نیم» نوید اسماعیلی، «عروس خیابان فرشته» مهدی خسروی، «گل به خودی» احمد تجری، «گیجگاه» عادل تبریزی، «لب خط» علی جبارزاده، «لیپار» حسین ریگی، «مامان» آرش انیسی، «منصور» سیاوش سرمدی، «نیلگون» حسین سهیلی‌زاده، «ورود و خروج ممنوع» امید آقایی و «هُرماس» مهدی صاحبی، ۳۱ فیلم اول متقاضی حضور در جشنواره‌اند که شرایط بررسی از سوی داوران را دارا هستند.

در میان این فیلم اولی‌ها از منتقد باسابقه‌ای چون هوشنگ گلمکانی به چشم می‌خورد تا افرادی که پیش از این تجربه ساخت فیلم‌های کوتاه و مستند را داشته‌اند. برخی نیز بیگانه از کارگردانی فیلم بلند نیستند، اما این اولین بار است که فیلم بلند سینمایی خود را با مجوز فیلم سینمایی از ارشاد مقابل دوربین می‌برند. در ادامه نگاهی داریم به این ۳۱ اثر.

◇ حرف آخر / ۱۳۹۸

فیلمنامه‌نویس و کارگردان: ابراهیم شفیعی،
تهیه‌کننده: علی‌شاه‌حاتمی
بازیگران: ایوب آقاخانی، شبنم قلی‌خانی، مونا کرمی، سهیل محبی، ثریا قاسمی ، علی استادی، علی باقری، حسن نجاریان، محمدعلی تقوی
خلاصه داستان: یک قاضی برای اولین بار حکم اعدام متهمی را در دادگاه تجدید نظر تایید و صادر می‌کند، اما از سوی دیگر، دچار تردید و عذابِ وجدان شده، به سراغ قاتل می‌رود و سعی می‌کند معما را حل کند.

◇ حکم تجدید نظر / ۱۳۹۹

کارگردان: محمدامین کریم‌پور، **فیلمنامه‌نویس و تهیه‌کننده:** رضاکریمی
بازیگران: ژاله صامتی، همایون ارشادی، فرید سجادی‌حسینی، گیتی قاسمی، زیبا کرمعلی، شاهرخ فروتنیان ، احسان امانی، آرش عدل‌پرور و مجید یلان
خلاصه داستان: آرش به اتهام قتل نامزدش زندانی است. او برای مادرش فرشته قسم می‌خورد که بی‌گناه است. فرشته به کمک وکیل و یکی از دوستانش و با اطلاعاتی که از پسرش گرفته، به دنبال جمع‌آوری مدارک و شواهدی برای اثبات بی‌گناهی آرش است.

◇ منصور / ۱۳۹۹ و ۱۳۹۸

فیلمنامه‌نویس و کارگردان: سیاوش سرمدی، **تهیه‌کننده:** جلیل‌شعبانی
بازیگران: محسن قصابیان، مهدی کوشکی، حمیدرضا نعیمی، سیدجواد هاشمی و لیندا کیانی
خلاصه داستان: شهید منصور ستاری به کمک همراهان صدیق و بااعتمادش پایه‌های برقراری تولید هواپیماهای جنگی را بنا نهاد که بعدها این نوع هواپیماها به نام‌های آذرخش و صاعقه نام برده می‌شوند.

◇ اتومبیل / ۱۳۹۹

کارگردان: علی میری رامشه، **فیلمنامه‌نویس:** سیدمهدی سجادپور، **تهیه‌کننده:** علی عبدالعلی‌زاده‌فرد
بازیگران: مهدی کوشکی، اکبر عبدی، سحر قریشی، ارسلان قاسمی، نیما شاهرخ‌شاهی،

فیلم سینمایی اتومبیل

علی‌رام نورایی، شهرزاد کمال‌زاده، امیر غفارمنش و آزیتا ترکاشوند
خلاصه داستان: سهراب در روز عروسی برادرش، دختری به نام ساناز را سوار می‌کند. در اولین ایست بازرسی، ساناز از فرصت سوء استفاده می‌کند، سه کیلو مواد مخدر را در اتومبیل او قرار می‌دهد و خود متواری می‌شود.

◇ آهو / ۱۳۹۹

کارگردان: هوشنگ گلمکانی، **فیلمنامه‌نویس:** سپیده آرمان، **تهیه‌کننده:** جواد نوروزبیگی
بازیگران: سپیده آرمان، رضا کیانیان، علی مصفا، حامد کمیلی، سهیلا رضوی و رضا یزدانی
خلاصه داستان: «آهو» حکایت انزوای خودخواسته دختری است که آرزوهایش را برباد رفته می‌بیند، اما هنوز امیدش را از دست نداده است.

◇ بعد از اتفاق / ۱۳۹۹

فیلمنامه‌نویس و کارگردان: پوریا حیدری اوره، **تهیه‌کننده:** شهاب حسینی
بازیگران: جواد عزتی، رضا کیانیان، رضا ناجی، ستاره پسیانی، بهرام افشاری، گلاره عباسی، روح‌الله جعفری، نیما شعبان‌نژاد، زهره اعتضاد، یسنا میرطهماسب و علی انصاریان
خلاصه داستان: کودکی به نام روح‌الله بعد از یک برق‌گرفتگی و قطع شدن دو دستش، تصمیم می‌گیرد با شرایط جدید کنار بیاید و به دنبال اهدافش باشد.

◇ بی‌آبان / ۱۳۹۹

کارگردان: مهرداد کورش‌نیا، **فیلمنامه‌نویسان:** مهرداد کورش‌نیا، علی اصغری، **تهیه‌کننده:** علی محمدقاسمی
بازیگران: رضا اخلاقی‌راد، علیرضا استادی، صحرا اسدالهی، نسیم ادبی، بابک نوری، رضا حیدری، رضا رباط‌جزی حسین کشفی، الهام شعبانی، سمیه

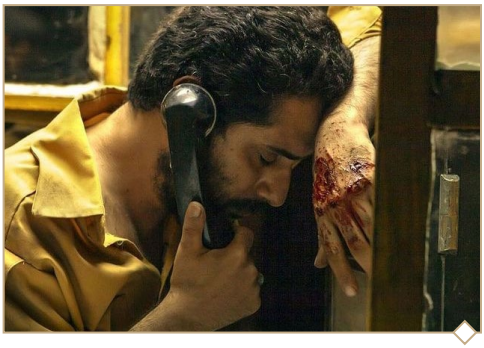

فیلم سینمایی پدری

برجی، ندا حسنی، رحمان محمدی، آرمان اسماعیلی، منصور صوفی، سعید امین‌دوست، رسول دژآگه، بازیگر خردسال: آراسا آقایی

خلاصه داستان: مردی به نام آبان که کارمند جنگل‌بانی و پلاک‌کوبی روی درختان است، دختر کوچک مجروحی را به بیمارستان می‌رساند. او اعتراف می‌کند که ۱۵ سال پیش، باعث مرگ دختری شده است.

◇ پدری / ۱۳۹۹

کارگردان: حسین دارابی، **فیلمنامه‌نویسان:** حسین دارابی، احمد حیدریان، **تهیه‌کننده:** محمدرضا شفاه

بازیگران: فرهاد قائمیان، وحید رهبانی، نازنین فراهانی، امیر نوروزی، مجید نوروزی، سهی بانو ذوالقدر، مهدی فریضه و مهدی حسینی‌نیا

خلاصه داستان: گذشت اون زمان که مسعود قاسمی رو ساواک می‌برد بالا پایین می‌کرد، الان همون مسعود قاسمی با یه نوک خودکار، با دو خط نوشته زندگی جابه‌جا می‌کنه، الان دیگه دور دور آقایی ماست. کی این آقایی رو بهت داده؟ انقلاب... می‌خوای بعد یه عمر حقارت آقاییت واست بمونه ... انقلاب رو محکم نگه دار.

فیلم سینمایی تروا

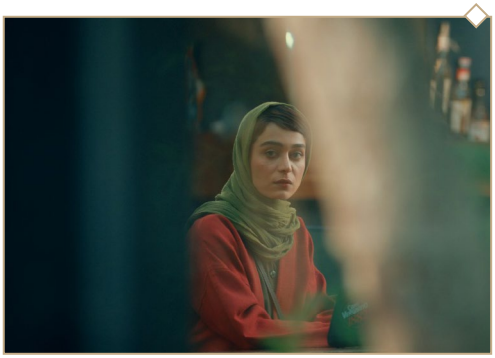

◇ تارا/ ۱۳۹۹

فیلمنامه‌نویس و کارگردان: کاوه قهرمان، **تهیه‌کننده:** سیدغلامرضا موسوی

بازیگران: رعنا آزادی‌ور، مهدی پاکدل، نازنین فراهانی، سروش صحت، معصومه بیگی، مجید نوروزی، سعیده آجرلی، مهدی بزرگ‌زاده و مهلا عرب

خلاصه داستان: زندگی تارا و بهرام، همچون رویایی آشفته، در هم تنیده. رویای زنی که در خوابش خود را زنی دیگر می‌بیند.

◇ تروا/ ۱۳۹۹

فیلمنامه‌نویس و کارگردان: محمد علیزاده فرد، **تهیه‌کننده:** یوسف منصوری

بازیگران: لیندا کیانی، علی استادی، مهدی زمین‌پرداز، پیام احمدی‌نیا، افسانه چهره‌آزاد و توماج دانش بهزادی

خلاصه داستان: امشب قرار است آرزوی محمد که دیده شدن در قاب تلویزیون است، برآورده شود. اما بعد از مشکلاتی که برای او پیش می‌آید، اتفاقی ناگوار انتظار او را می‌کشد.

◇ خانه ماهرخ/ ۱۳۹۹

کارگردان: شهرام ابراهیمی، **فیلمنامه‌نویس:** حسن عطارها، **تهیه‌کنندگان:** محمدرضا محمدی، سیدشهاب‌الدین حسینی

بازیگران: آتنه فقیه نصیری، امیررضا دلاوری، رحمان باقریان، مهری آل‌آقا، الهام نامی، محمد قوام، رضا نجفی، مهرو تفرشی، رامین سامانی، سوده ازقندی، اشکان دلاوری، میثم کزازی، علی عطایی هور، رضا نیلی، جمال فوادیان، نسیم کیانی، علی سیبی، شبیر جوانبخش شیرازی و بردیا ماهی‌صفت

خلاصه داستان: ماهرخ که مشغول بازی در اولین فیلمش است، از سوی همسرش، کیوان، و دوستان مشترکشان، به مناسبت تولدش غافل‌گیر می‌شود. حجم برف شادی روی سر و هیکل ماهرخ بیش از حد است، کیوان به او نزدیک می‌شود و همین که برای روشن کردن شمع روی کیک، فندک می‌زند، ماهرخ آتش می‌گیرد. کیوان به اتهام به آتش کشیدن ماهرخ دادگاهی می‌شود.

◇ خط فرضی/ ۱۳۹۸

فیلمنامه‌نویس و کارگردان: فرنوش صمدی،

تهیه‌کننده: علی مصفا
بازیگران: سحر دولتشاهی، پژمان جمشیدی، حسن پورشیرازی، آزیتا حاجیان، امیررضا رنجبران، صدف عسگری، محمد حیدری و آیلین جاهد
خلاصه داستان: سارا به همراه همسرش، حامد، و دختر خردسالشان به یک عروسی در شمال ایران دعوت شده‌اند، اما حامد به دلیل مشکلات کاری نمی‌تواند آن‌ها را همراهی کند و این سرآغاز اتفاقی است که زندگی سارا را دگرگون می‌کند.

◇ خورشید آن ماه / ۱۳۹۹
کارگردان: ستاره اسکندری، **فیلمنامه‌نویس:** سمیه تاجیک، **تهیه‌کننده:** منوچهر محمدی روزبهانی
بازیگران: نازنین فراهانی، پژمان بازغی، بنفشه صمدی، روژین صدرزاده، نکیسا نوری، مهتاب جامی، امیرحسین هاشمی، اسحق بلوچ‌نسب و صادق بلوچی
خلاصه داستان: عشق قدیمی، در سرزمینی غریب، در آب و خاک و آسمانی غریب، عشق قدیمی جوانه می‌زند.

◇ روز ششم / ۱۳۹۹
فیلمنامه‌نویس و کارگردان: حجت قاسم‌زاده اصل، **تهیه‌کننده:** رحمان سیفی‌آزاد
بازیگران: مصطفی زمانی، امیر جعفری، مهران احمدی، جمشید هاشم‌پور، افشین هاشمی، همایون ارشادی، مهدی حسینی‌نیا، بهاره افشاری و بهرام ابراهیمی
خلاصه داستان: احمد بعد از گذشت پنج سال حبس از زندان آزاد شده و به دنبال سرنخی برای حل معمای به زندان افتادنش به سراغ همکاران قدیمی می‌رود و در پی انتقام است.

◇ روزی روزگاری آبادان / ۱۳۹۹
فیلمنامه‌نویس و کارگردان: حمیدرضا آذرنگ، **تهیه‌کنندگان:** علی اوجی، عبداله اسکندری
بازیگران: فاطمه معتمدآریا، محسن تنابنده، الهام شفیعی، هیراد آذرنگ، سهیل دانش اشراقی و امیرحسین ابراهیمی
خلاصه داستان: آبادان، سال ۱۳۸۱. خانواده پنج نفری مصیب چرخیده در آخرین روز سال مشغول خرید شب عید هستند، اما به دلیل حال بد مصیب که ناشی از گرفتاری‌اش به مواد مخدر است، کشمکشی میان آن‌ها درمی‌گیرد و در اوج تلاش خیری، مادر خانواده، برای به آرامش رساندن خانواده، به‌ناگاه اتفاق غیرمنتظره‌ای همه آن‌ها را غافل‌گیر می‌کند و...

◇ زد و بند / ۱۳۹۹
فیلمنامه‌نویس و کارگردان: داود نوروزی، **تهیه‌کننده:** مقصود جباری
بازیگران: امین زندگانی، هنگامه حمیدزاده، همایون ارشادی، فریبا کوثری، محمدعلی کیانی و سیدمهرداد ضیایی
خلاصه داستان: در مسیر زندگی شخصیت‌ها که با معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی مواجه هستند، اتفاقاتی می‌افتد.

◇ زالاوا / ۱۳۹۹
کارگردان: ارسلان امیری، **فیلمنامه‌نویسان:** ارسلان امیری، آیدا پناهنده، تهمینه بهرام، **تهیه‌کنندگان:** روح‌اله برادری، سمیرا برادری
بازیگران: نوید پورفرج، هدی زین‌العابدین، پوریا رحیمی‌سام، باسط رضایی، فریدون حامدی و زاهد زند
خلاصه داستان: زالاوایی‌ها ترسیده‌اند، ناامیدانه از استوار، رئیس پاسگاه و مردی به نام آمردان کمک می‌خواهند.

◇ سیاه‌باز / ۱۳۹۹
فیلمنامه‌نویس و کارگردان: حمید همتی، **تهیه‌کننده:** علی قائم‌مقامی
بازیگران: سام قریبیان، افسانه بایگان، شاهد احمدلو، مهدی کوشکی، المیرا دهقانی، آتیلا پسیانی و علی رهبری
خلاصه داستان: بیت کوین موضوع محوری فیلم است.

◇ شیرجه بزرگ / ۱۳۹۹
فیلمنامه‌نویس و کارگردان: کریم لک‌زاده، **تهیه‌کننده:** محمدرضا شفیعی
بازیگران: سونیا سنجری، پدرام شریفی، پگاه آهنگرانی، ساسان کاوه، حامد

فیلم سینمایی شیرجه بزرگ

نجابت، علی سعدی، محمدرضا پورمقدم، زهرا ابراهیمی، اصلان شاه‌ابراهیمی و میثم دامن‌زه
خلاصه داستان: مریم برای یافتن فرزندش همراه با سه جامانده از یک گروه سیرک، وارد سفری پرماجرا در جاده‌ها می‌شوند.

◇ شهربانو/ ۱۳۹۸
کارگردان: مریم بحرالعلومی، **فیلمنامه‌نویس:** پژمان تیمورتاش، **تهیه‌کننده:** پگاه احمدی
بازیگران: فرشته صدرعرفایی، بهناز جعفری، گلاره عباسی، سامان صفاری، محمد ولی‌زادگان، علی کیان ارثی، بهرنگ علوی و یوسف تیموری
خلاصه داستان: یکی از بدترین مجازات‌ها اینه که وسط یه اشتباه ناخواسته یا خواسته اشتباه، خودت رو حبس کنی تا ابد. جوری که فکر کنی نه راه پس داری نه راه پیش. نه جای موندن و نه جون رفتن!

◇ گل به خودی/ ۱۳۹۹
کارگردان: احمد تجری، **فیلمنامه‌نویسان:** احمد تجری، لاله قهرمانی، **تهیه‌کننده:** علی قائم‌مقامی
بازیگران: شقایق فراهانی، نسیم ادبی، علی استادی، علی رهبری، آرین بهاری، ابوالفضل رجبی، رایان سرلک، ستاره حسینی و محمدرضا علی‌نیا
خلاصه داستان: بعد از این‌که خانواده‌ای یکی از بچه‌های پرورشگاه را به سرپرستی قبول می‌کند، دوستانش تصمیم می‌گیرند در سودای پیدا کردن پدر و مادر، از پرورشگاه فرار کنند.

◇ ورود و خروج ممنوع/ ۱۳۹۹
فیلمنامه‌نویس و کارگردان: امید آقایی، **تهیه‌کننده:** مرتضی شایسته
بازیگران: اکبر عبدی، محمدرضا شریفی‌نیا، نیوشا ضیغمی، هادی کاظمی، محمدرضا هدایتی، سعید امیرسلیمانی، سپند امیرسلیمانی، نعیمه نظام‌دوست، یاسر جعفری و امیر دژاکام
خلاصه داستان: یک روحانی معاون فرهنگی یک زندان در شهرستان است. او برخورد خشنی با زندانیان دارد. به خاطر مشکل مالی، خود او به زندان

سینمایی ورود و خروج ممنوع

می‌افتد و در نتیجه معاشرت با زندانیان، در اخلاق و رفتار روحانی و زندانیان تغییراتی رخ می‌دهد.

◇ سه روز و سه قتل/ ۱۳۹۹
فیلمنامه‌نویس و کارگردان: مسعود امینی تیرانی، **تهیه‌کننده:** جعفر صانعی‌مقدم
بازیگران: بهناز جعفری، حمید پورآذری، سونیا سنجری، شادی کرم‌رودی، میلاد رحیمی و سهند کبیری
خلاصه داستان: شش اجراگر وارد خانه‌ای می‌شوند که سال‌ها قبل سه قتل در مدت سه روز در آن رخ داده و اجساد برای پنج سال در آن‌جا مدفون بوده‌اند.

◇ گیجگاه/ ۱۳۹۹
کارگردان: عادل تبریزی، **فیلمنامه‌نویسان:** ارسلان امیری، عادل تبریزی، **تهیه‌کننده:** میرولی‌اله مدنی
بازیگران: جمشید هاشم‌پور، حامد بهداد، باران کوثری، سروش صحت، فرهاد آئیش، بهرنگ علوی، امیرحسین رستمی، بیژن بنفشه‌خواه، نادر سلیمانی، محمد الهی، مریم همتیان، ایمان اسماعیل‌پور، حسن رضایی و رضا صفایی
خلاصه داستان: مهتاب به همراه پسر ۱۰ ساله‌اش زندگی می‌کند. آشنایی آن‌ها با حسن خشنود مسیر زندگی‌شان را عوض می‌کند.

◇ لب خط/ ۱۳۹۹
فیلمنامه‌نویس و کارگردان: علی جبارزاده، **تهیه‌کننده:** علی عبدالعلی‌زاده‌فرد
بازیگران: جمشید هاشم‌پور، نیما شعبان‌نژاد، هومن حاجی‌عبداللهی، روشنک گرامی، محیا دهقانی، نسیم ادبی، سمیرا حسن‌پور، لاله صبوری، رضا داودنژاد، محمدرضا داودنژاد، سعید امیرسلیمانی، علیرضا مهران، کاظم نوربخش، هامون سیدی و مونا کرمی
خلاصه داستان: رضا برای آزادی مادر و برادرش از زندان با تکیه بر حافظه قوی و کمک یک دختر دورگه، تلاش می‌کند.

◇ لیپار/ ۱۳۹۹
کارگردان: حسین ریگی، **فیلمنامه‌نویسان:** حسین ریگی، حسام فرهمندجو، **تهیه‌کننده:**

سعید خانی
بازیگران: مهران احمدی، بهناز جعفری و هومن برق‌نورد
خلاصه داستان: برکت، پسر نوجوان ۱۴ ساله بلوچ، قصد دارد برای پیدا کردن مادرش که به هندوستان رفته و همین‌طور علاقه زیادی که به بازیگری و سینمای بالیوود دارد، به هندوستان برود. او در این مسیر با چالش‌ها و مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شود.

◇ مامان/ ۱۳۹۹
فیلمنامه‌نویس و کارگردان: آرش انیسی، **تهیه‌کننده:** مجید برزگر
بازیگران: رویا افشار، امیر نوروزی، عرفان ابراهیمی، امیر شمس و شقایق شوریان
خلاصه داستان: مامان با وجود جدایی از شوهرش هم‌چنان برای خواهر و برادرهای او ، هنوز همان نانسی، دخترِ آبادانی باکلاس و دوست‌داشتنی، است، اما برای پسرهایش یک پیرزن بداخلاق، غرغرو و عصبی است که با تاکسی خود مسافرکشی می‌کند.

◇ نیلگون/ ۱۳۹۸
کارگردان: حسین سهیلی‌زاده، **فیلمنامه‌نویس:** بابک کایدان، **تهیه‌کننده:** ایرج محمدی
بازیگران: محمدرضا فروتن، میترا حجار، همایون ارشادی، آناهیتا درگاهی و سام درخشانی
خلاصه داستان: سیروان عاشقی واقعی و صبور است که به کمک سامره، روان‌شناس و پدر نیلگون، تلاش می‌کنند نیلگون را به زندگی عادی بازگردانند.

فیلم سینمایی نیلگون

فیلم سینمایی طبقه یک و نیم

◇ هُرماس/ ۱۳۹۹
فیلمنامه‌نویس و کارگردان: مهدی صاحبی، **تهیه‌کننده:** ابوذرپورمحمدی
بازیگران: شیدا خلیق، برزو ارجمند، فریبا کوثری، علیرام نورایی، مریم بوبانی، بهنوش بختیاری، شبنم قلی‌خانی، علی باقری، رضا رویگری، مهسا ایرانیان، رها برخورداریان، روژینا امینایی، هیلدا کردبچه، محمدمبین موسی‌لو، بیاینا محمودی، امیر کسارنژاد، نیما سیدموسوی، علیرضا براتی، سیدعیسی حسینی، علیرضا عزیزی، مهدی مهری، نرگس شریفات و وحید باقری
خلاصه داستان: قتل مشکوک یک جوان جنجال زیادی در رسانه‌ها بر پا می‌کند. دختری خبرنگار برای کشف حقیقت با هُرماس درمی‌افتد.

◇ طبقه یک و نیم/ ۱۳۹۹
کارگردان: نوید اسماعیلی، **فیلمنامه‌نویس:** حسین نمازی، **تهیه‌کننده:** غلامرضا آزادی
بازیگران: مهدی هاشمی، صحرا اسدالهی، قاسم زارع، سیروس همتی، مهران رجبی، شهره سلطانی، اسداله یکتا و بهروز پناهنده
خلاصه داستان: قرار است بهنام به دستور آقای نوری، مدیرکل شرکت، به عنوان معاون معرفی شود، اما با بروز اتفاقی همه چیز برای او عوض می‌شود. از سوی دیگر، سرگرد سعیدی به دنبال سارقان انبار شرکت است.

◇ عروس خیابان فرشته/ ۱۳۹۹
کارگردان: مهدی خسروی، **فیلمنامه‌نویس:** الهه زارع‌نژاد (بر اساس طرحی از مجتبی متولی)، **تهیه‌کننده:** محمدرضا شریفی‌نیا
بازیگران: محمدرضا شریفی‌نیا، عاطفه رضوی، مهراوه شریفی‌نیا، علیرضا جعفری، فهیمه رحیمیان، سام نوری، پوریا پورسرخ، حسام نواب صفوی، کمند امیرسلیمانی، شقایق فراهانی، رامین ناصرنصیر، تارا عطار و ملودی موسوی
خلاصه داستان: خانواده مهاجر در خانه‌ای قدیمی در دل خیابان فرشته که متعلق به دایی خانواده است، زندگی می‌کنند. هر یک از اعضای خانواده از فضای این خانه به نحوی ارتزاق می‌کنند. بازگشت دایی خانواده پس از سال‌ها به همراه عروسش از خارج از کشور، به نیت فروش خانه قدیمی، خانواده مهاجر را وارد چالش و دردسرهای بزرگی می‌کند و این خانواده تلاش می‌کنند به هر نحوی این خانه را حفظ کنند، تا این‌که...

صاحبان سیمرغ بهترین فیلم

اوج گیری در جوانی

۱۳۶۸

آخرین پرواز/ بچه‌های طلاق

کارگردان: احمدرضا درویش / تهمینه میلانی

۱۳۶۹

سایه خیال

کارگردان: حسین دلبر

۱۳۷۰

بدوک

کارگردان: مجید مجیدی

۱۳۷۱

سایه‌های هجوم/ بربال فرشتگان

کارگردان: احمد امینی / جوادشمقدری

۱۳۷۲

سجاده آتش

کارگردان: احمد مرادپور

۱۳۷۳

بادکنک سفید

کارگردان: جعفر پناهی

۱۳۷۴

دکل

کارگردان: عبدالحسن برزیده

۱۳۷۵

مسافر جنوب

کارگردان: پرویز شهبازی

۱۳۸۱

گاگومان

کارگردان: محمد رسول‌اف

۱۳۸۲

بوتیک

کارگردان: حمید نعمت‌الله

۱۳۸۳

مرزی برای زندگی

کارگردان: رضا اعظمیان

۱۳۸۴

عصر جمعه

کارگردان: مونا زندی حقیقی

۱۳۸۵

اخراجی‌ها

کارگردان: مسعود ده‌نمکی

۱۳۸۶

در میان ابرها

کارگردان: سیدروح‌الله حجازی

۱۳۸۷

دلخون

کارگردان: محمدرضا رحمانی

۱۳۸۸

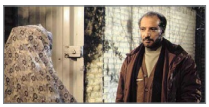

نفوذی

کارگردانان: احمد کاوری و مهدی فیوضی

۱۳۸۹

سفر سرخ

کارگردان: حمید فرخ‌نژاد

۱۳۹۰

گیرنده

کارگردان: مهرداد غفارزاده

۱۳۹۱

دهلیز

کارگردان: بهروز شعیبی

۱۳۹۲

چندمتر مکعب عشق

کارگردان: جمشید محمودی

۱۳۹۳

چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت

کارگردان: وحید جلیلوند

۱۳۹۴

ابد و یک روز

کارگردان: سعید روستایی

۱۳۹۶

خجالت نکش

کارگردان: رضا مقصودی

۱۳۹۷

مسخره باز

کارگردان: همایون غنی‌زاده

۱۳۹۸

روز صفر

کارگردان: سعید ملکان

آن‌چه بر فیلم‌های جوانان در جشنواره گذشت

سیمرغ‌هایی همراه اشک شوق

◇ محمدمهدی درستی

جایگاه بخش فیلم اول در جشنواره فیلم فجر در سال‌هایی که از برگزاری این رویداد سینمایی می‌گذرد، متغیر بوده است؛ زمانی بخشی ویژه به آثار اول کارگردانان اختصاص داده شده است و گاه این بخش به‌کل از جشنواره رخت بربسته و زمانی هم بر اساس سیاست‌های برگزارکنندگان جشنواره، فیلم‌های اول و دوم در یک مجموعه قرار گرفته و به صورت مجزا از فیلم‌های بخش اصلی داوری شده‌اند.

فیلم‌های اول که از سومین دوره جایگاهی ویژه در جشنواره یافتند تا سال ۱۳۷۵ (در مقاطعی که این بخش در جشنواره وجود داشت) از سوی هیئت داوری بخش مسابقه سینمای ایران داوری شدند و بعد از آن از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ این بخش از جشنواره حذف شد. از سال ۱۳۸۱ هیئت داوری مستقلی کار ارزیابی فیلم‌های اول حاضر در جشنواره را انجام داد، تا سال ۱۳۹۵ که بخش مستقل فیلم اول از جشنواره حذف و به اهدای سیمرغ بلورین از سوی هیئت داوری بخش سودای سیمرغ به فیلم‌سازی که اولین ساخته‌اش در جشنواره پذیرفته شده بود، اکتفا شد و درنهایت باز هم از سال ۱۳۹۷ بخش ویژه فیلم اول به جشنواره اضافه شد و امسال در سی‌ونهمین دوره جشنواره درحالی‌که حدود نیمی از فیلم‌هایی که دارای شرایط ارزیابی در جشنواره هستند، فیلم اول کارگردانشان محسوب می‌شوند، بخش مستقلی به این فیلم‌ها اختصاص نیافته است و سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول را داوران بخش سودای سیمرغ به اثر برگزیده اهدا خواهد کرد.

در ادامه در گزارشی، به تمامی رفت‌وآمدهای بخش فیلم اول در جشنواره نگاهی شده است.

◇ سومین دوره جشنواره

در سال ۱۳۶۳ برای اولین بار، بخش فیلم‌های اول با عنوان «نخستین فیلم‌های کارگردانان»، به جشنواره اضافه شد. در این سال کیومرث پوراحمد با «تاتوره»، رسول صدرعاملی با «رهایی»، رسول ملاقلی‌پور با «نینوا»، محمدعلی نجفی با «جنگ اطهر» و محمدعلی سجادی با «بازجویی یک جنایت» به عنوان کارگردانان فیلم اولی در جشنواره حضور داشتند؛ سینماگرانی که کمی بعد از این سال توانستند جایگاهی بسیار پراهمیت در شکل‌دهی سینمای ایران بعد از انقلاب ایفا کنند. در کنار فیلم‌های بلند سینمایی، ۲۰ فیلم کوتاه هم در این بخش داوری شد. ابراهیم حاتمی‌کیا با فیلم کوتاه «کوردلان» یکی از کارگردانان حاضر در این بخش بود و واروژ کریم مسیحی با «سلندر» و جمال شورجه با «قصه بیداری» حضور داشتند.

◇ از چهارمین تا هفتمین دوره جشنواره

از سال ۱۳۶۴ بخش فیلم‌های اول به‌کلی از جشنواره حذف شد و این شرایط تا سال ۱۳۶۷ ادامه داشت.

◇ هشتمین دوره جشنواره

بازگشت دوباره فیلم اولی‌ها به جشنواره، البته این‌بار با شکلی تازه؛ در سال ۱۳۶۸ فیلم‌های اول و دوم کارگردانان در بخشی جداگانه از بخش مسابقه اصلی داوری شدند. در این دوره ۱۶ فیلم به این بخش راه یافت که از جمله کارگردانان آن‌ها می‌توان به تهمینه میلانی، احمدرضا درویش، حمید سمندریان، علیرضا رئیسیان، مسعود کرامتی و فریال بهزاد اشاره کرد. در این دوره سیمرغ بلورین به صورت مشترک به درویش برای «آخرین پرواز» و میلانی برای «بچه‌های طلاق» اهدا شد.

◇ نهمین دوره جشنواره

در بخش فیلم‌های اول و دوم ۲۱ فیلم وارد رقابت شدند؛ فیلم‌هایی از جمله «ابلیس» احمدرضا درویش (فیلم دوم)، «افسانه آه» تهمینه میلانی (فیلم دوم)، «پرده آخر» واروژ کریم مسیحی، «در مسلخ عشق» کمال تبریزی (فیلم دوم)، «دو فیلم با یک بلیت» داریوش فرهنگ (فیلم دوم)، «سفر جادویی» ابوالحسن داودی (فیلم دوم) و «عروس» بهروز افخمی (فیلم دوم) از آثار حاضر در این بخش بودند. سیمرغ بلورین بهترین فیلم این دوره به «سایه خیال» حسین دلیر، جایزه ویژه هیئت داوران به «دو فیلم با یک بلیت» داریوش فرهنگ و سه دیپلم افتخار به «تویی که نمی‌شناختمت» محمدابراهیم سلطانی‌فر، «به خاطر همه چیز» رجب محمدین و «پرده آخر» واروژ کریم‌مسیحی اهدا شد.

◇ دهمین دوره جشنواره

در سال ۱۳۷۰ برای نخستین بار دو سیمرغ بلورین به صورت مجزا به فیلم اول و فیلم دوم اهدا شد. در این دوره ۱۷ فیلم در بخش فیلم‌های اول و دوم داوری شد. مجید مجیدی با «بدوک»، محمدمهدی عسگرپور با «پرواز در

فیلم سینمایی بدوک

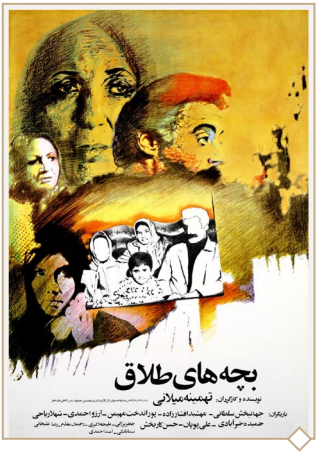

پوستر فیلم سینمایی بچه های طلاق

بی‌نهایت»، ابراهیم فروزش با «خمره» و عزیزالله حمیدنژاد با «هور در آتش» در این رقابت حضور داشتند.

سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول به «بدوک» مجید مجیدی، سیمرغ بلورین بهترین فیلم دوم به «خمره» ابراهیم فروزش، سیمرغ بلورین ویژه هیئت داوران به «هور در آتش» عزیزالله حمیدنژاد، دیپلم افتخار فیلمنامه به انسیه شاه‌حسینی و شهرام اسدی برای «اوینار»، بزرگمهر رفیعا برای «دادستان» وسیدمهدی‌شجاعی‌ومجیدمجیدی برای «بدوک» تعلق گرفت.

◇ یازدهمین دوره جشنواره

۲۵ فیلم سینمایی در سال ۱۳۷۱ به بخش فیلم‌های اول و دوم راه یافت. سیروس مقدم با «شکوه بازگشت» و ابراهیم وحیدزاده با «مجسمه» ازفیلم‌سازان حاضردربخش‌فیلم‌های اول و دوم بودند. در این سال سیاست‌ها در مسیر کم کردن جوایز قرار گرفت و درنهایت یک سیمرغ بلورین به بهترین فیلم اول و جایزه‌ای ویژه به فیلم برگزیده دوم تعلق گرفت. سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول به «سایه‌های هجوم» به تهیه‌کنندگی شبکه دوم سیما و به کارگردانی احمد امینی و «بر بال فرشتگان» به تهیه‌کنندگی موسسه امور سینمایی بنیاد مستضعفان و جانبازان و به کارگردانی جواد شمقدری اهدا و جایزه ویژه فیلم دوم هم از آن «خون‌بس» به تهیه‌کنندگی ناصر

غلامرضایی و نورمحمد تقوی و به کارگردانی ناصر غلامرضایی‌شد.

◇ دوازدهمین دوره جشنواره

در سالی که آخرین دوره دبیری سیدمحمد بهشتی در جشنواره فیلم فجر بود، ۲۰ فیلم اول و دوم در بخش مسابقه فیلم‌های اول و دوم داوری شد. «جنگ نفتکش‌ها» ساخته محمد بزرگ‌نیا، «زینت» به کارگردانی ابراهیم مختاری و «عبور از تله» غلامرضا رمضانی از فیلم‌هایی بودند که در این بخش مورد داوری قرار گرفتند. در این دوره، تعداد جوایز فیلم‌های اول و دوم افزایش یافت. سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول از آن «سجاده آتش» احمد مرادپور شد و دیپلم افتخار فیلم اول به «ایوب پیامبر» فرج‌الله سلحشور تعلق گرفت. سیمرغ بلورین بهترین فیلم دوم به «جنگ نفتکش‌ها» محمد بزرگ‌نیا و جایزه ویژه هیئت داوران (فیلمنامه) به فریدون دانشمند برای «دره هزار فانوس» اهدا شد.

◇ سیزدهمین دوره جشنواره

در سال ۱۳۷۳ بخش مسابقه فیلم‌های اول و دوم میزبان چهره‌های جوانی بود که در سال‌های بعد نقش مهمی در سینمای ایران ایفا کردند. در این سال که ۲۱ فیلم اول و دوم به جشنواره راه یافته بود، داود میرباقری با «آدم برفی» در این بخش حضور داشت و «بادکنک سفید» جعفر پناهی وارد این رقابت شده بود. شهرام اسدی در همان سال «روز واقعه» را کارگردانی کرده و علیرضا رئیسیان «سفر» را ساخته بود. افزایش تعداد جوایز در این بخش در سیزدهمین دوره جشنواره را هم به نوعی می‌توان حاصل کیفیت فیلم‌های ارائه‌شده دانست. سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول به «بادکنک سفید» جعفر پناهی و دیپلم افتخار بازیگر خردسال به آیدا محمدخانی برای بازی در «بادکنک سفید» اهدا شد و دیپلم افتخار فیلمنامه به کاظم بلوچی، رضا مقصودی و کریم هاتفی برای «کوچه و موزه» رسید. هم‌چنین برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم دوم شهرام اسدی برای «روز واقعه» بود. دیپلم افتخار بهترین فیلم دوم هم به «سفر» علیرضا رئیسیان رسید.

فیلم سینمایی بادکنک سفید

◇ چهاردهمین دوره جشنواره

۲۲ فیلم اول و دوم از جمله آثار مجید مجیدی، همایون اسعدیان، عبدالحسن برزیده، ابوالقاسم طالبی و فریدون حسن‌پور در سال ۱۳۷۴ مورد داوری هیئت داوران قرار گرفتند. در این سال دیگر خبری از جایزه فیلمنامه و داوری نبود. سیمرغ بلورین فیلم اول به «دکل» عبدالحسن برزیده اهدا شد و سیمرغ بلورین فیلم دوم به «پدر» مجید مجیدی. جایزه ویژه هیئت داوران هم به «قصه‌های بازار» عبدالله علیمراد تعلق گرفت.

◇ پانزدهمین دوره جشنواره

در نیمه دهه ۷۰ این پرویز شهبازی، سعید سهیلی، محمدحسین حقیقی، عباس رافعی، رفیع پیتز و فرهاد مهرانفر بودند که با آثار مطرح خود به بخش فیلم‌های اول و دوم جشنواره رونق دادند. درحالی‌در این دوره ۲۲ فیلم اول و دوم مورد قضاوت قرار گرفتند که یک سال بعد تغییری اساسی پیشِ روی بخش مربوط به این آثار بود.

سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول از آن «مسافر جنوب» ساخته پرویز

فیلم سینمایی دکل

شهبازی شد و دیپلم افتخار بهترین فیلم اول به «مردی شبیه باران» ساخته سعید سهیلی رسید. هم‌چنین سیمرغ بلورین بهترین فیلم دوم به «براده‌های خورشید» محمدحسین حقیقی و جایزه ویژه هیئت داوران به «موشک کاغذی» فرهاد مهرانفر اهدا شد.

◇ شانزدهمین تا بیستمین دوره جشنواره

با تغییر دولت و تغییر مدیریت سینما، در سال ۱۳۷۶ بخش فیلم‌های اول و دوم بار دیگر از پیکره جشنواره فیلم فجر خارج شد و این وضعیت تا پایان دهه ۷۰ و هم‌چنین در بیستمین دوره جشنواره در سال ۱۳۸۰ ادامه داشت.

◇ بیست‌ویکمین دوره جشنواره

بعد از پنج دوره حذف بخش فیلم‌های اول از جشنواره فجر، در سال ۱۳۸۱ بار دیگر فیلم اولی‌ها شانس حضور در یک بخش مستقل را به دست آوردند. یکی از نکات قابل توجه در مورد بخش فیلم‌های اول بیست‌ویکمین دوره جشنواره فجر، اهدای سیمرغ بلورین به «گاگومان» به کارگردانی محمد رسول‌اف و بی‌نصیب ماندن «رقص در غبار» نخستین فیلم اصغر فرهادی از جایزه بود. در این دوره ۲۷ فیلم اول مورد داوری قرار گرفتند و هیئت داورانی مستقل به عنوان داوران فیلم‌های اول، آثار پذیرفته‌شده در این بخش را داوری کردند.

فیلم گاگومان

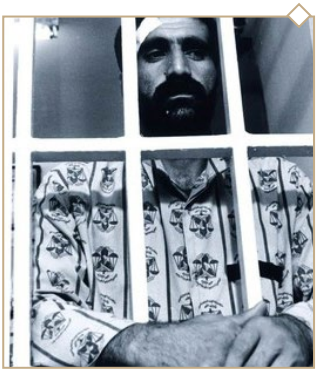

فیلم سینمایی بوتیک

◇ بیست‌ودومین دوره جشنواره

سال ۱۳۸۲ بار دیگر فیلم‌های اول و دوم در کنار هم مورد داوری قرار گرفتند و ۲۸ فیلم شامل آثار کارگردانانی چون اصغر فرهادی، عبدالرضا کاهانی، علیرضا امینی، سامان سالور، حمید نعمت‌الله، محمدمهدی عسگرپور، مهدی کرم‌پور، ایرج کریمی و رهبر قنبری به نمایش درآمد. در این سال حمید نعمت‌الله که سال‌ها به عنوان دستیار مسعود کیمیایی در سینما کار کرده بود، با «بوتیک» خود را به عنوان کارگردانی خوش‌ذوق معرفی کرد. این کارگردان در جلب نظر داوران نیز موفق بود و سیمرغ بلورین را از آن خود کرد.

◇ بیست‌وسومین دوره جشنواره

یک سال بعد از آن‌که ۲۸ فیلم در بخش اول و دوم مورد داوری قرار گرفت، این تعداد تقریبا به نصف رسید و داوران به ارزیابی ۱۵ فیلم نشستند. علی رفیعی با «ماهی‌ها عاشق می‌شوند»، نادر طالب‌زاده با «بشارت منجی»، پرویز شیخ‌طادی با «پشت پرده مه» و بیژن میرباقری با «ما همه خوبیم» از فیلم‌سازانی بودند که اثر اول یا دوم خود را به جشنواره ارائه کرده بودند. هر چند در رقابت با این فیلم‌سازان رضا اعظمیان با «مرزی برای زندگی» سیمرغ بلورین را دریافت کرد.

◇ بیست‌وچهارمین دوره جشنواره

مانی حقیقی، مونا زندی حقیقی و مازیار میری در این سال وارد رقابت فیلم اول و دومی‌ها شدند. در سال ۱۳۸۴، ۱۷ فیلم اول و دوم به جشنواره راه پیدا کرده بود. در این دوره برای یک بار دیگر سیمرغ بلورین بخش فیلم اول و دوم تفکیک شد.

سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول به «عصر جمعه» مونا زندی حقیقی رسید و برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم دوم هم «شاهزاده ایرانی» محمد نوری‌زاد بود.

◇ بیست‌وپنجمین دوره جشنواره

یک سال از تغییر و تحولات در مدیریت سینما می‌گذشت و در این زمان

با آن‌که دبیر جشنواره تغییر نکرده بود، اما بخش فیلم‌های اول دست‌خوش تغییراتی شد. فیلم‌های دوم از این بخش کنار گذاشته شد و فقط آثار اول داوری شدند. این بخش هم میزبان فیلم «اخراجی‌ها» به کارگردانی مسعود ده‌نمکی شد، هم فیلم تجربه‌گرایی چون «باز هم سیب داری؟» بایرام فضلی و هم «پابرهنه در بهشت» بهرام توکلی.

البته در پایان کار داوری‌ها سه فیلم از ۱۷ اثر راه‌یافته به جشنواره صاحب جایزه شدند؛ یک سیمرغ و دو دیپلم. سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول به «اخراجی‌ها» مسعود ده‌نمکی رسید و دیپلم افتخار هم به «خدا نزدیک است» علی وزیریان و «آخرین ملکه زمین» محمدرضا عرب تعلق گرفت.

◇ بیست‌وششمین دوره جشنواره

بعد از آن‌که سال‌ها تعداد قابل توجهی از فیلم‌های اول در جشنواره مورد داوری قرار می‌گرفت، در سال ۱۳۸۶ فقط ۹ فیلم اول به این بخش راه یافت. این همان سالی است که بهنام بهزادی با «تنها دو بار زندگی می‌کنیم» نظر منتقدان را به خود جلب کرده و منوچهر هادی «قرنطینه» را ساخته و مصطفی رزاق‌کریمی «حس پنهان» را کارگردانی کرده بود. البته سیمرغ بلورین به هیچ‌یک از این فیلم‌ها نرسید و از آن سیدروح‌الله حجازی با «در میان ابرها» شد.

◇ بیست‌وهفتمین دوره جشنواره

گویا تعداد نسبتا اندک فیلم‌ها در دور قبلی، برگزارکنندگان جشنواره را مجاب کرده بود که با تلفیق دوباره بخش فیلم‌های اول و دوم به این بخش رونق بیشتری ببخشند. هم‌چنین در سال ۱۳۸۷ برای نخستین بار جوایز بخش فیلم‌های اول یا اول و دوم به بخش‌های بهترین فیلم و کارگردانی و بازیگری تقسیم شد. در بخش فیلم‌های اول و دوم ۲۳ اثر شامل «بی‌پولی» حمید نعمت‌الله، «پستچی سه بار در نمی‌زند» حسن فتحی، «تردید» واروژ کریم‌مسیحی و «یک وجب از آسمان» علی وزیریان حضور داشتند. سیمرغ بلورین بهترین فیلم به «دلخون» (سیدحسین حق‌گو) به کارگردانی محمدرضا

فیلم سینمایی اخراجی ها

رحمانی و جایزه ویژه هیئت داوران به «اخراجی‌ها۲» ساخته مسعود ده‌نمکی رسید. سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی هم از آن واروژ کریم‌مسیحی برای «تردید» شد و دیپلم افتخار کارگردانی هم به مسعود نقاش‌زاده برای «کودک و فرشته» و سامان استرکی برای «صندلی خالی» رسید.

در این دوره دو دیپلم افتخار بازیگری به حامد بهداد «دلخون» و مونا احمدی «کودک و فرشته» اهدا شد.

هم‌چنین دیپلم افتخار فیلمنامه هم به هادی مقدم‌دوست و حمید نعمت‌الله برای «بی‌پولی» رسید.

◇ بیست‌وهشتمین دوره جشنواره

شروع پرهیجان فیلم «بدرود بغداد»، فضای وهم‌آلودی که سعی شده بود در «آل» بهرام بهرامیان تصویر شود و نگاه تازه احمد کاوری و مهدی فیوضی به جنگ و شخصیت‌هایش در «نفوذی» همگی بخشی از حال‌وهوای ۲۶ فیلم اول و دومی بود که در بیست‌وهشتمین دوره

فیلم سینمایی نفوذی

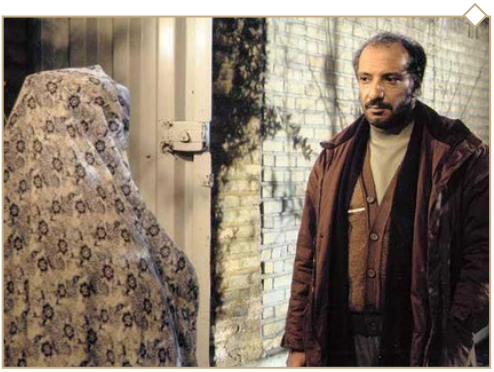

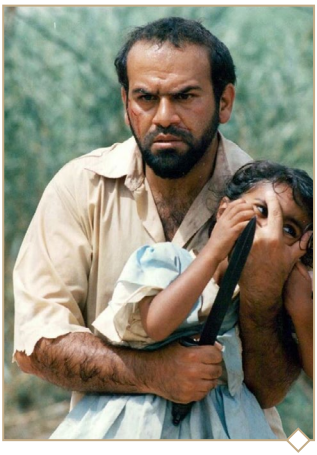

فیلم سینمایی سفر سرخ

جشنواره فجر ارائه شد. رامبد جوان هم نخستین فیلم سینمایی خود را به اسم «پسر آدم، دختر حوا» به این دوره از جشنواره ارائه کرده و «پرسه در مه» بهرام توکلی، هم مورد توجه منتقدان قرار گرفته بود، هم داوران.
سیمرغ بلورین بهترین فیلم به «نفوذی» به تهیه‌کنندگی جمال شورجه و حسن علیمردانی و کارگردانی مهدی فیوضی و احمد کاوری رسید و سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی هم به بهرام توکلی برای «پرسه در مه» رسید.

فیلم سینمایی آل

◇ بیست‌ونهمین دوره جشنواره

در این دوره اتفاقی ویژه برای بخش فیلم‌های اول رخ داد. اولا فقط فیلم‌های اول مورد داوری قرار گرفتند و دوم این‌که جوایز این بخش افزایش یافت و به شکل سیمرغ بلورین بهترین فیلم، دیپلم افتخار بازیگری و کارگردانی و فیلمنامه و دستاورد فنی اهدا شد. علاوه بر جوایز اصلی که در بخش بازیگری به بازیگری زن و مرد تقسیم می‌شد، لوح تقدیر و جوایزی از این دست نیز به برگزیدگان تعلق گرفت. در بیست‌ونهمین دوره جشنواره ۲۴ اثر اول مورد قضاوت قرار گرفتند. فیلم حمید فرخ‌نژاد به اسم «سفر سرخ» که بعد از مدت‌ها امکان نمایش در جشنواره را به دست آورده بود، توانست توجه اغلب داوران را به خود جلب کند و «آینه‌های روبه‌رو» ساخته نگار آذربایجانی نیز در کسب جوایز با «سفر سرخ» رقابتی نزدیک داشت.
سیمرغ بلورین بهترین فیلم به «سفر سرخ» حمید فرخ‌نژاد، دیپلم افتخار کارگردانی به حمید فرخ‌نژاد برای «سفر سرخ» و امیر ثقفی برای «مرگ

فیلم سینمایی مرگ کسب و کار من است

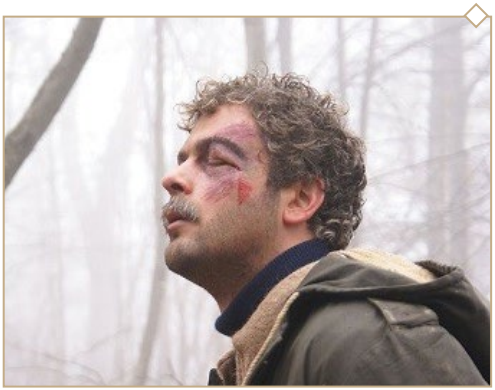

کسب‌وکار من است» اهدا شد.
هم‌چنین در بخش بازیگری دیپلم افتخار بهترین بازیگری زن به غزل شاکری برای «آینه‌های روبه‌رو»، دیپلم افتخار بهترین بازیگر مرد به پژمان بازغی برای «مرگ کسب‌وکار من است» و جایزه ویژه هیئت داوران به صادق صفایی برای «سفر سرخ» تعلق گرفت.
برنده دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه نگار آذربایجانی و فرشته طائرپور برای «آینه‌های روبه‌رو» بودند و دیپلم افتخار بهترین دستاورد فنی هم از آن وحید نصیریان برای «قلب سیمرغ» شد.

◇ سی‌امین دوره جشنواره

همان روند سال ۱۳۸۹ در بخش فیلم‌های اول دنبال شد، با این تفاوت که در این دوره به کارگردان برگزیده نیز سیمرغ بلورین اهدا شد. رضا عطاران با فیلم «خوابم میاد» از کارگردانانی بود که نخستین تجربه‌اش را به جشنواره ارائه کرده بود و حمید امجد با «آزمایشگاه»، پیمان معادی با «برف روی

کاج‌ها»، رضا درمیشیان با «بغض» و مهرداد غفارزاده با «گیرنده» از رقبای او بودند. سیمرغ بلورین بهترین فیلم در این دوره به «گیرنده» به تهیه‌کنندگی محمد قهرمانی و مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و ساخته مهرداد غفارزاده تعلق گرفت و سیمرغ بلورین کارگردانی به رضا عطاران برای «خوابم میاد» رسید و لوح تقدیر از آن مانلی شجاعی‌فرد برای «میگرن» شد. دیپلم افتخار بهترین بازیگری زن به مهناز افشار برای حضور در «برف روی کـــاج‌ها» اهدا شد و دیپلم افتخار بهترین بازیگر مرد در دستان سعید راد برای «گیرنده» جای گرفت. در بخش فیلمنامه دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه به اکبر روح، مهرداد موفق‌یامی و مهرداد غفارزاده برای «گیرنده» اهدا شد و گروه جلوه‌های ویژه رایانه‌ای «تهران ۱۵۰۰» دیپلم افتخار بهترین دستاورد فنی را دریافت کردند. لوح تقدیر این بخش هم به روانبخش صادقی برای «فلادلفی» رسید.

◇ سی‌ویکمین دوره جشنواره

در این سال با حذف جوایز بازیگری از بخش فیلم‌های اول حجم جوایز کاسته و در عین حال به جای اهدای دیپلم به کارگردان و برگزیده بخش دستاورد فنی، سیمرغ بلورین به آنان تعلق گرفت. در ابتدای دهه ۹۰ این نرگس آبیار و بهروز شعیبی و هادی مقدم‌دوست و محسن قرایی بودند که پا به سینمای حرفه‌ای گذاشتند.

فیلم سینمایی خوابم میاد

فیلم سینمایی دهلیز

سیمرغ بلورین بهترین فیلم به «دهلیز» به تهیه‌کنندگی سیدمحمود رضوی و کارگردانی بهروز شعیبی رسید و سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی در دستان هادی مقدم‌دوست برای «سر به مهر» جای گرفت. سیمرغ بلورین دستاورد فنی و هنری هم به فرشاد محمدی برای فیلم‌برداری «برلین منفی۷» رسید.

◇ سی‌ودومین دوره جشنواره

سال ۱۳۹۲ «چند مترمکعب عشق» به کارگردانی جمشید محمودی توانست توجه‌های بسیاری را در بخش فیلم اول جلب کند. این فیلم با آثاری ساخته هومن سیدی، سعید آقاخانی، نیما جاویدی، حامد محمدی و تینا پاکروان رقابت می‌کرد. در این دوره ۱۵ اثر وارد رقابت شدند.

در بخش نگاه نو سیمرغ بلورین بهترین فیلم به نوید محمودی (تهیه‌کننده) برای «چند مترمکعب عشق» تعلق گرفت و دیپلم افتخار بهترین فیلم هم به «سیزده» ساخته هومن سیدی رسید. سیمرغ بهترین کارگردانی از آن جمشید محمودی برای «چند مترمکعب عشق» شد و سیمرغ بهترین فیلمنامه به «حقِ سکوت» نوشته و اثر هادی نائیجی تعلق گرفت.

فیلم سینمایی چند متر مکعب عشق

◇ سی‌وسومین دوره جشنواره

۱۱ فیلم در این دوره از جشنواره در بخش نگاه نو وارد رقابت شدند که از جمله آن‌ها می‌توان به «آزادی مشروط» حسین مهکام، «احتمال باران اسیدی» بهتاش صناعی‌ها، «جامه‌دران» حمیدرضا قطبی و «دو» به کارگردانی سهیلا گلستانی اشاره کرد. حاصل این رقابت البته اهدای دو سیمرغ بلورین و دو دیپلم و لوح تقدیر و تندیس بلورین بود.

در بخش فیلم‌های اول سیمرغ بلورین بهترین فیلم به «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» به تهیه‌کنندگی محمدحسین لطیفی و کارگردانی وحید جلیلوند رسید. این فیلم برنده سیمرغ بلورین کارگردانی هم شد.

دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه اقتباسی به ناهید طباطبایی و حمیدرضا قطبی برای «جامه‌دران» تعلق گرفت و سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه غیراقتباسی به بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم برای «احتمال باران اسیدی» اهدا شد.

تندیس بلورین جایزه ویژه هیئت داوران به امیرحسین عسگری برای «بدون مرز» تعلق گرفت.لوح تقدیر ویژه دبیر جشنواره هم برای انیمیشن سینمایی «شاهزاده روم» به حامد جعفری و هادی محمدیان رسید.

◇ سی‌وچهارمین دوره جشنواره

سی‌وچهارمین دوره جشنواره فجر مقطعی از این رویداد سینمایی بود که کارگردانان فیلم اولی کل جشنواره را تحت‌الشعاع قرار داده بودند. سعید روستایی با «ابد و یک روز» و محمدحسین مهدویان با «ایستاده در غبار» توانسته بودند نگاه‌ها را به خود معطوف کنند و این نشان‌دهنده ورود نسلی جوان و مستعد به سینمای ایران بود.

در این دوره از جشنواره سیمرغ بلورین بهترین فیلم به «ابد و یک روز» به تهیه‌کنندگی سعید ملکان و کارگردانی سعید روستایی رسید و سعید روستایی برای کارگردانی «ابد و یک روز» سیمرغ بلورین گرفت. هم‌چنین سیمرغ جایزه ویژه هیئت داوران از آن محمدحسین مهدویان برای کارگردانی «ایستاده در غبار» شد.

اختتامیه سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر

◇ سی‌وپنجمین و سی‌وششمین دوره جشنواره

درخشش فیلم اولی‌ها در سی‌وچهارمین دوره جشنواره فیلم فجر، یا شاید سیاست دیگری بود که موجب شد برگزارکنندگان جشنواره به این نتیجه برسند که بخش فیلم‌های اول به صورت مجزا وجود نداشته باشد و فقط کارگردان فیلم اولی که اثرش در بخش سودای سیمرغ پذیرفته شده است، جایزه استعداد درخشان را دریافت کند.

در سال ۱۳۹۵ سیمرغ بلورین جایزه ویژه استعداد درخشان فیلم اول به منیر قیدی برای «ویلایی‌ها» اهدا شد و در سال ۱۳۹۶ سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول به «خجالت نکش» به کارگردانی رضا مقصودی تعلق گرفت.

◇ سی‌وهفتمین و سی‌وهشتمین دوره جشنواره

در سال ۱۳۹۷ بار دیگر بخش مستقل فیلم اول به جشنواره اضافه شد و ۱۰ فیلم اول در این سال با یکدیگر به رقابت پرداختند تا درنهایت سیمرغ بلورین این بخش به «مسخره‌باز» به کارگردانی همایون غنی‌زاده اهدا شد. ۱۰ فیلم اولی هم در جشنواره سال ۱۳۹۸ حضور داشتند و محمد کارت با «شنای پروانه» توانست برخی از جوایز فنی و بازیگری را برای فیلمش کسب کند، اما برنده سیمرغ بلورین این بخش سعید ملکان با «روز صفر» بود.

◇ سی‌ونهمین دوره جشنواره

جشنواره فیلم فجر در همه بخش‌ها در سال ۱۳۹۹ ویژگی‌های منحصر به خود را دارد و یکی از آن‌ها مربوط به فیلم‌های اول می‌شود. امسال تعداد بالایی از فیلم اولی‌ها متقاضی حضور در جشنواره هستند و از سوی دیگر، برگزارکنندگان این رویداد سینمایی با توجه به شرایط خاص جشنواره امسال، بخش مستقل فیلم اول را در نظر نگرفته‌اند. بر این اساس می‌توان سی‌ونهمین جشنواره فجر را هم در کنار دوره‌هایی قرار داد که فیلم اولی‌ها با کارکشته‌های سینما در کنار هم رقابت کردند و هم‌چنین سیمرغ بلورین فیلم اول از سوی هیئت داوران به سازنده بهترین فیلم اول اهدا خواهد شد.

یادداشت

فیلم‌ساز با جایزه فجر بزرگ‌تر می‌شود

جمشید محمودی
کارگردان

من با فیلم «چند متر مکعب عشق» برای اولین بار در جشنواره فیلم فجر شرکت کردم. ویژه‌ترین حس‌وحالی که بعد از نمایش فیلمم در جشنواره فیلم فجر تجربه کردم، واکنش چند فیلم‌سازی بود که من آثار آن‌ها را دوست داشتم. در واقع فیلم‌سازانی مثل مانی حقیقی، همایون اسعدیان، سامان مقدم و عزیزانی که شاید هم‌اکنون به خاطر نداشته باشم، بزرگواری کردند، به سمت من آمدند و از فیلم تعریف کردند. تایید آن‌ها حال مرا بسیار خوب کرد. این فرصتی بود که جشنواره فیلم فجر در اختیار من قرار داده بود.

من هم مانند بسیاری از فیلم اولی‌ها اضطراب اولین نمایش فیلمم در سالن اصحاب رسانه و منتقدان را داشتم. مخصوصا این‌که در آن دوره جشنواره فیلم فجر در سالن بزرگ برج میلاد برگزار می‌شد و اگر آن جمعیت از فیلمی خوششان نمی‌آمد، دیده بودم که سالن را ترک می‌کنند. البته از نمایش فیلم ما در سالن‌های دیگر چند روزی گذشته بود و اخبار خوبی شنیده بودیم. ولی در زمان نمایش «چند متر مکعب عشق» در برج میلاد هنوز اضطراب داشتم. سالن پر از جمعیت بود، به‌طوری‌که خود من هم روی پله نشستم تا بتوانم فیلم را تماشا کنم. حتی بعد از دقایقی نتوانستم تحمل کنم و از سالن خارج شدم و در هوای سرد قدم زدم. بالاخره برای دیدن پایان فیلم به سالن برگشتم و نگرانی‌ام تمام شد. چون فیلم مورد تشویق قرار گرفت. واقعا امیدوارم جشنواره فیلم فجر به برج میلاد بازگردد، چون هیجانی که در آن سالن احساس می‌کردید، بسیار متفاوت بود. اگر واکنش‌ها منفی بود، بسیار ناامیدکننده و تلخ بود و اگر واکنش‌ها خوب بود و تشویق می‌شدید، حال بسیار خوبی را تجربه می‌کردید.

طبیعتا حضور در جشنواره فیلم فجر برای هر فیلم اولی رخداد بزرگی است. به‌طبع اگر این فیلم اولی هم در جشنواره موفق شود و جایزه بگیرد و مورد توجه قرار بگیرد، جشنواره فیلم فجر می‌تواند برای او سکوی پرتاب خوبی باشد. شاید این در مورد فیلم اولی‌ها بیشتر باشد، ولی فکر می‌کنم جایزه گرفتن در جشنواره فیلم فجر هر جایی از کارنامه فیلم‌ساز که باشد، هم مهم است و هم سکوی خوبی برای بهتر جلو رفتن. یعنی فیلم شما هم در اکران عمومی خوب دیده می‌شود و هم روی کار بعدی‌تان تاثیر می‌گذارد، چراکه جایزه گرفتن باعث می‌شود توجه بیشتری به فیلم‌ساز شود و مخاطبان این رویداد را دنبال می‌کنند. همه این مسائل در کنار هم باعث می‌شود فیلم‌ساز بزرگ‌تر شود و بیشتر رشد کند.

شاید این‌طور به نظر بیاید که بعد از گرفتن جایزه سطح توقعات از فیلم‌ساز بالا می‌رود و ساخت کار بعدی را برای او سخت‌تر می‌کند، اما همه این‌ها درنهایت مثبت است. حتی اگر کار فیلم‌ساز را سخت‌تر کند.

جشنواره در آینه فرنگ

گفت‌وگو با هارون یشایایی، تهیه‌کننده فیلم‌های مطرح سینما، درباره تجربه حضور در جشنواره فجر

به من جایزه دادند، این ارزشمندترین است
بدون در نظر گرفتن یهودی بودنم

منوچهر محمدی از همکاری با مرحوم سیف‌الله داد و ویژگی‌های او به عنوان یک سینماگر متخصص‌پرفرد می‌گوید

مرحوم داد متخصص‌ترین دبیر جشنواره بود

یادداشت رضا صادقی

بیا این داوری‌ها را به نزد داور اندازیم

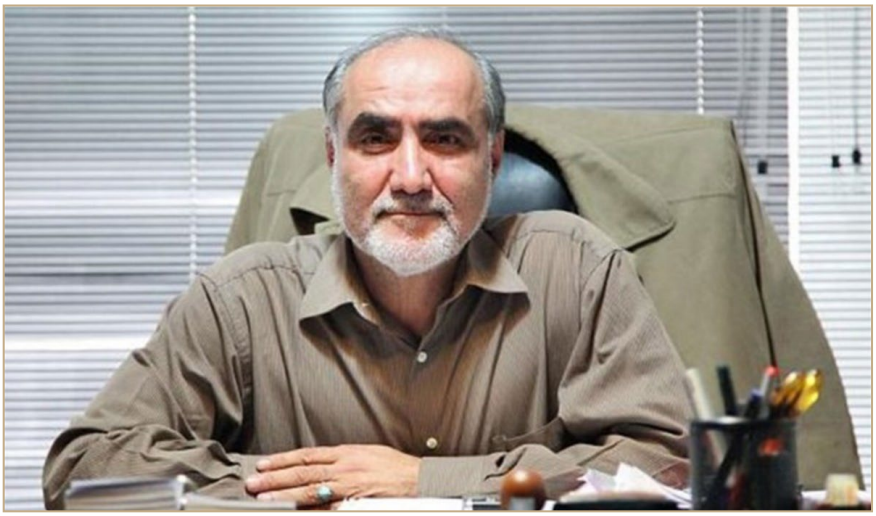

منوچهر محمدی از همکاری با مرحوم سیف‌الله داد و ویژگی‌های او به عنوان یک سینماگر منحصربه‌فرد می‌گوید

مرحوم داد متخصص‌ترین دبیر جشنواره بود

◇ نژلا پیکانیان

سیف‌الله داد چهار دوره دبیری جشنواره فیلم فجر را برعهده داشت؛ از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹. او در تمامی دوره‌هایی که این مسئولیت را عهده‌دار بود، سمت معاونت سینمایی را هم بردوش داشت و تا سال ۱۳۷۸ منوچهر محمدی او را در اداره نظارت و ارزش‌یابی همراهی می‌کرد. البته آشنایی داد و محمدی به سال‌ها قبل بازمی‌گشت؛ به روزهای ابتدایی انقلاب. نتیجه شناخت و همراهی سال‌های سال این شد که محمدی در دوران مدیریت داد در سینما همراه او باشد. داد که در مرداد سال ۱۳۸۸ سینمای ایران را عزادار درگذشت خود کرد، به عنوان یکی از خوش‌نام‌ترین و موفق‌ترین مدیران سینما شناخته می‌شود؛ در عین حال که فیلم‌های مهمی نیز در سینمای ایران کارگردانی کرده است.

به دلیل فقدان داد، ۲۰ سال بعد از آخرین دبیری او در جشنواره فجر، به پای سخنان منوچهر محمدی نشستیم تا او از آن سال‌ها و اتفاقات آن سخن بگوید.

◇ جدای از همکاری‌هایی که شما و مرحوم سیف‌الله داد با هم داشتید، می‌خواهم کمی از ویژگی‌های مدیریتی ایشان برایمان بگویید. وقتی ایشان در مقام دبیر جشنواره فجر در سال‌های ۷۶ تا ۷۹ قرار گرفتند، سیاست‌هایشان برای برگزاری این رویداد به چه شکل بود؟

آشنایی من با مرحوم داد به سال‌های آغازین انقلاب اسلامی و سازمان صداوسیما برمی‌گردد که ایشان در گروه فیلم و سریال فعالیت می‌کردند. پس از فعالیت ایشان در صداوسیما، ما یک همکاری مشترک در تاسیس شرکت سینافیلم داشتیم که مجموعه‌ای از آثار خوب و ارزشمند سینما در این شرکت شکل گرفت. سال ۷۶ بعد از اتفاقات اجتماعی و سیاسی که رخ داد و بنا به درخواست وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرحوم سیف‌الله داد مسئولیت معاونت سینمایی را پذیرفتند و قرار بر این شد که من نیز به

ایشان کمک کنم. آن دوره سمت مدیریت کل نظارت و ارزش‌یابی به بنده پیشنهاد شد و من نیز قبول کردم. در دو دوره از جشنواره فیلم فجر نیز من به شکل مستقیم در کنار ایشان بودم. در سال‌های ۷۶ و ۷۷ جشنواره را با هم برگزار کردیم. اما درباره خصوصیات منحصربه‌فرد آقای داد باید بگویم ایشان اولا صاحب فکر، ایده و بسیار خوش‌سلیقه و متخصص بودند و از طرف دیگر، سینما را هم خوب می‌شناختند و آثار ارزشمندی در سینما ساختند که اوجش «بازمانده» و «کانی‌مانگا» است. همین آثار نشان‌دهنده این است که ایشان فیلم‌سازی بود که به سینما، فیلمنامه و بخش‌های مختلف مربوط به صنعت سینما مسلط بود. ایشان حتی چند کار را تدوین هم کرده‌اند. به‌جرئت می‌توان گفت آقای داد متخصص‌ترین دبیر جشنواره پس از انقلاب بودند. به همه این ویژگی‌ها باید جسارت ویژه مرحوم داد را هم اضافه کرد. به نظرم با رجوع به اتفاقاتی که در جشنواره سال‌های ۷۶ و ۷۷ افتاد، می‌توان آن تحولات را از برجستگی‌های شخصی آقای داد قلمداد کرد.

◇ از نگاه شما، به عنوان فردی که به مرحوم داد و خط فکری‌شان نزدیک بود، مهم‌ترین تحولاتی که در دوران دبیری ایشان در جشنواره فجر رخ داد، چه بود؟

سال ۷۶ بنا به اقتضای شرایط عمومی جامعه و از آن‌جایی که بنا بود تحولاتی جدی در جشنواره فجر رخ بدهد، ایشان چند نوآوری در این رویداد داشتند که به یادگار در کلیت جشنواره فجر باقی ماند. اول این‌که جشنواره فیلم فجر تا قبل از آن دوره، یعنی تا سال ۷۵، فقط اختتامیه داشت و افتتاحیه‌ای در کار نبود. سال ۷۶ نظر آقای داد این بود که حتما افتتاحیه هم برای جشنواره برگزار شود، البته نه به این معنا که فقط شاهد یک مراسم تحت این عنوان باشیم. ایشان معتقد بودند افتتاحیه فرصتی است که ما می‌توانیم سینمای ایران، به‌خصوص آثار شاخصی را که در آن تولید می‌شود، بهتر به جامعه معرفی کنیم. ضمن این‌که مراسم تقدیر و بزرگداشت که برای پیش‌کسوتان و بزرگان سینمای ما در حال حاضر وجود دارد نیز از آن سال مرسوم شد. بین‌المللی کردن این رویداد نیز از دیگر تحولات جشنواره فجر بود. تا قبل از سال ۷۶ جشنواره یک رویداد کاملا داخلی بود. البته ما نمایش آثار خارجی داشتیم، اما فیلم‌ها به شکل رقابتی در جشنواره حضور نداشتند. مرحوم داد به‌جد معتقد بودند برای ارتقای سینمای ایران، فیلم‌های سینمایی ایرانی که لیاقت، ارزش و ارتفاع هنری بالایی دارند، باید با برخی آثار خارجی رقابت کنند. برای بخش بین‌الملل باید هیئت داوران از خارج از کشور می‌آمدند و آثار کشورهای دیگر نیز در جشنواره ما شرکت می‌کردند. نکته سومی که حاصل مدیریت ایشان و اتاق فکر ما در آن دوران بود، به وجود آمدن بخش بازار سینمای ایران بود. بسیاری از جشنواره‌های معتبر بین‌المللی و درجه A، به این مسئله توجه می‌کردند و از آن‌جایی که مرحوم داد به سینما به مثابه هنر، صنعت و اقتصاد توامان با هم نگاه می‌کرد، وجود این بخش را نیز بسیار لازم و ضروری می‌دید. این نکته یکی از خصوصیات برجسته نگاه ایشان بود که اتفاقا اهمیت به آن از زمانی که بخش بین‌الملل جشنواره بنا به دلایلی جدا شد، نادیده گرفته شد. به نظر من این تفکیک خیلی منطقی نیست، اما اتفاق افتاده. من معتقدم شاید درست‌تر باشد که این جشنواره را یگانه برگزار کنیم تا اتفاقی که باید، به شکل تمام و کمال درباره همه سینمای ایران شکل بگیرد. من یادم می‌آید مخاطبان خارجی، دبیران و هنرمندان شاخص جشنواره که در زمان برگزاری این رویداد به ایران می‌آمدند، فرصت داشتند تا همه آثار سینمای ما را ببینند و دبیران جشنواره‌ها نیز به تناسب رویدادهایشان و بنا به تعریفی که داشتند، فیلم‌های ایرانی را انتخاب می‌کردند و آثار ایرانی طبیعتا به جشنواره‌های مختلف راه پیدا می‌کرد.

◇ گفتید در دو دوره از جشنواره مستقیما در کنار مرحوم داد در برگزاری این رویداد نقش داشتید. در آن دوران مشخصا مسئولیتی داشتید، یا به عنوان مشاور ایشان را همراهی می‌کردید؟

از این حیث که ما سال‌ها با هم دوست و همکار بودیم، رفاقت داشتیم و

سیف الله داد

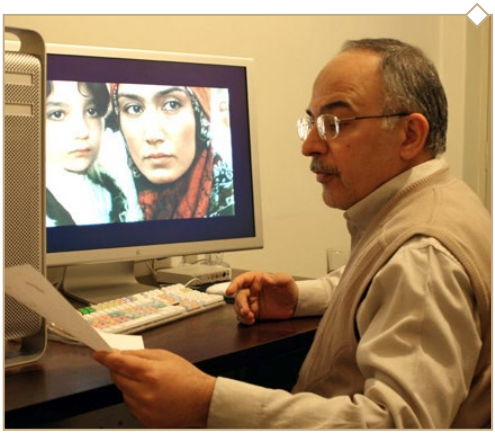

به دلیل اعتماد فوق‌العاده‌ای که بین من و آقای داد وجود داشت، نسبت به نظرات یکدیگر با احترام برخورد می‌کردیم و به دنبال نیت‌خوانی ایده‌ها و مسائل جانبی نبودیم. همین مسئله منجر به انسجام مدیریتی می‌شد

سلیقه سینمایی‌مان به‌شدت به هم نزدیک بود، و از آن‌جا که در آن دوران من سمت مدیرکل نظارت و ارزش‌یابی را داشتم، در بسیاری از تصمیم‌ها و اتاق فکری که برای جشنواره تشکیل شده بود و حدود ۷۰، ۸۰ درصد آن از سوی بنده و مرحوم داد شکل گرفته بود، همراه هم تصمیماتی برای نحوه برگزاری جشنواره و شکل اجرای آن می‌گرفتیم. از طرفی، به دلیل اعتماد فوق‌العاده که بین ما وجود داشت، نسبت به نظرات یکدیگر با دید احترام برخورد می‌کردیم و به دنبال نیت‌خوانی ایده‌ها و مسائل جانبی نبودیم. همین مسئله باعث می‌شد نوعی انسجام مدیریتی را در آن دوره شاهد باشیم.

◇ هیئت داوران در این دوره ترکیبی کاملا سینمایی داشت و هنرمندان شاخصی مانند عزت‌الله انتظامی، کیومرث پوراحمد، احمدرضا درویش، فرشته طائرپور و مجید مجیدی به عنوان داور حضور داشتند. همین موضوع تفاوتی عمده با داوران دوره‌های قبل ایجاد کرد. از طرفی، یک زن هم در میان داوران حاضر شد. نظر شما در این مورد چه بود و در اصل این ترکیب با چه هدفی چیده شد؟

اگر به خاطراتم رجوع کنم، باید بگویم یکی از معدود ترکیب‌های داوری را به لحاظ جایگاه افراد در آن دوره داشتیم و شاید دیگر آن سطح از ترکیب داوران در هیچ سالی تکرار نشد. در سال ۷۶ مجموعه‌ای از کارگردانان تراز اول کشور پذیرفتند که داور جشنواره شوند تا ترکیبی از سینماگران سرشناس آن زمان در جشنواره به داوری فیلم‌ها بپردازند. آن سال آقای داد خیلی محکم ایستادند و اصرار کردند از آن‌جایی که ما یک کار تخصصی انجام می‌دهیم، بهتر است داوران متخصص راجع به بخش‌های مختلف آثار جشنواره نظر دهند تا اعتبار سیمرغ بلورین افزایش پیدا کند و مسائلی مثل مصلحت یا عناصر دیگر در داوری دخیل نباشد. من شاهد بودم با وجود این‌که خودشان سینماگر و صاحب سلیقه بودند، استقلال تام و تمامی هم به هیئت انتخاب و هیئت داوران دادند تا به قواعد مربوط به آزاداندیشی به شکل کامل پای‌بند بمانند. در ادامه این بحث، باید بگویم یکی از کارهای بزرگی که ایشان کردند و متاسفانه با رفتن ایشان ادامه پیدا نکرد، جمع کردن مجموعه‌ای از سینماگران کنار هم و برگزاری جلساتی در ارشاد بود که اسم آن را پارلمان سینمای ایران گذاشته بودند. ایشان معتقد بودند اگر قرار باشد ما در دولت کاری کنیم، آن عمل باید از بیان خواسته‌های سینماگران با طیف‌های مختلف دربیاید تا به یک هم‌صدایی میان سینماگران و دولت برسیم، نه این‌که این ارتباط مدام به تقابل و درگیری بگذرد. به همین خاطر با قاطعیت می‌توانم بگویم بیشتر سینماگران با گرایش‌های مختلف و سلیقه‌های متفاوت از دوران مدیریتی آقای داد به نیکی یاد می‌کنند و معتقدند در این دوره سینما جدی گرفته شد و به تبع آن، به اهالی سینما نیز بهای بیشتری داده شده است.

◇ در دوره شانزدهم پیش‌شرط نمایش فیلم‌ها برای اکران در سال آینده حذف شد. دیدگاه شما در مورد این تغییر رویه چه بود و الان چه نظری دارید؟

وقتی قرار شد مرحوم داد و بنده در وزارت ارشاد مسئولیت‌هایی را بپذیریم، به دلیل این‌که سال‌ها در بخش خصوصی به شکل مشترک فعالیت داشتیم، ارزیابی و شناختی از آسیب‌های سینمای ایران داشتیم. یکی از مواردی که متاسفانه به غلط در دوره‌های قبل وجود داشت، این بود که تمام فیلم‌سازان مکلف و موظف بودند که فیلمشان را به جشنواره فجر بدهند و اگر این اتفاق می‌افتاد، بعدها اجازه اکران پیدا می‌کردند. اما همان‌طور که اشاره کردم، از آن‌جایی که آقای داد سینما را به منزله هنر صنعت و اقتصاد نگاه می‌کردند و معتقد بودند کل سینما باید یک خروجی درست داشته باشد، صحبت‌هایی با هم داشتیم و به این جمع‌بندی رسیدیم که این شیوه اشتباه است، چراکه عملا چرخه سینما را دچار دست‌انداز می‌کند. در آن سال‌ها برای نمونه، اگر فیلم‌سازی فیلمی را در اردیبهشت‌ماه کلید می‌زد و اثرش در آخر تیرماه آماده اکران می‌شد، نمی‌توانست آن را نمایش دهد و باید تا جشنواره فجر صبر می‌کرد. نکته جالب‌تر این‌که قبل از رفتن ما به ارشاد، دفترچه‌ای به فیلم‌سازان داده می‌شد و این وزارت‌خانه تایید می‌کرد که یک فیلم در چه زمانی، چه گروهی و به چه مدت می‌تواند اکران شود. با این شرایط سرمایه یک فیلم، یعنی همان بخش اقتصاد در سینما معطل می‌ماند و تهیه‌کننده هم طبعا حاضر نبود فیلم جدیدی بسازد. واضح است وقتی دولت رفتارهایی کند که به‌هیچ‌وجه صلاح سینماگران و بخش خصوصی در آن در نظر گرفته نشود، خروجی و برون‌دادهایی خواهد داشت که اثر آن‌ها بعدا در آثار سینمایی مشخص می‌شود. یادم می‌آید به دلیل این رفتار غیرحرفه‌ای دولت، سینماگران طوری برنامه‌ریزی می‌کردند که فیلم‌برداری‌شان از نیمه دوم سال آغاز شود و در نیمه اول سال استودیوها، لابراتورها و بخش عمده‌ای از سینماگران عملا بی‌کار بودند و از مهرماه به یک‌باره با ترافیک سنگینی برای تولید آثار مواجه می‌شدیم.

حتی در برخی از موارد دوربین، وسایل نور و سایر ادوات مورد نیاز گیر نمی‌آمد. دوستان سینماگر من حتما یادشان می‌آید که گاهی حتی کار به این‌جا می‌کشید که یک لنز خاص دو روز سر یک فیلم بود و روز بعد گروه دیگری که مشغول فیلم‌برداری بودند، آن را امانت می‌گرفتند تا مثلا صحنه‌های مربوط را با لنز تله بگیرند. فیلم‌ها هم با عجله به جشنواره می‌رسیدند و تعداد زیادی از آن‌ها بعد از نمایش در جشنواره فجر دوباره برخی از مراحل فنی را انجام می‌دادند. اما برخی داده‌های آماری و مشاهدات عینی در آن زمان آقای داد را به این نتیجه رساند که با صراحت و جسارت اعلام کنند هیچ‌کس موظف نیست فیلمش را به جشنواره بدهد، مگر فیلم‌سازی که فکر می‌کند فیلمش قابلیت شرکت در جشنواره فجر را دارد.

◇ در شانزدهمین دوره جشنواره فجر، «آژانس شیشه‌ای» ابراهیم حاتمی‌کیا به جشنواره راه یافته بود و در کسب جوایز از اغلب فیلم‌ها جلو زد. جوی که اطراف این فیلم تشکیل شده بود، چطور بود؟

قبل از پاسخ به این سوالِ شما می‌خواهم به کمی قبل‌تر برگردم و نکته مهمی را درباره فیلم «آژانس شیشه‌ای» بگویم. هسته اصلی فیلم «آژانس شیشه‌ای» در سال ۷۵ بین من و آقای حاتمی‌کیا مطرح شد. یک روز جلسه‌ای داشتیم و بعد از آن جلسه، آقای حاتمی‌کیا خلاصه یک خطی این فیلم را برای من تعریف کرد و نظر من را خواست. من به‌شدت این ایده را پسندیدم و به ایشان گفتم ایده بسیار خوبی است و در ساخت آن تردید نکن. پرسید که شما برای تهیه‌کنندگی این فیلم آمادگی دارید؟ و من هم پاسخ مثبت دادم. کار در دفتر ما (سینافیلم) در همان سال ۷۵ شروع شد. بعد از بازنویسی‌هایی که روی آن انجام شد، نسخه نهایی فیلمنامه به دست ما رسید و من، مرحوم آقای داد و مرحوم آقای عسگری‌نسب که در همان شرکت سینافیلم با یکدیگر همکاری داشتیم، آن را خواندیم. آن موقع آقای داد نسبت به فیلمنامه کمی تردید کردند و معتقد بودند که ممکن است این فیلم سوءتفاهم جدی ایجاد کند. من به‌جد معتقد بودم نه‌تنها سوءتفاهم ایجاد نمی‌کند، بلکه فیلم موفقی هم خواهد شد. بین ما

پشت صحنه فیلم بازمانده

اختلاف نظر به وجود آمد، اما بر اساس قواعد و قوانینی که در شرکتمان داشتیم و قرارمان بر این بود که فیلم‌هایی که در این دفتر تولید می‌شوند، باید با موافقت اکثریت مطلق آرا ساخته شوند و از آن‌جایی که نظر آقای عسگری‌نسب هم به سمت نظر آقای داد چرخید، من آن وسط تنها ماندم. من همان موقع معتقد بودم ممکن است فیلم مدتی توقیف شود، ولی ارزش ساخته شدن را دارد. در انتهای جلسه وقتی من دیدم اجماع شکل نگرفت، پیشنهاد دادم که به دلیل تردیدی که درباره فیلمنامه وجود دارد، آن را خدمت مقام معظم رهبری بفرستیم، ایشان بخوانند و نظرشان را به ما اعلام کنند. خودمان هم حدس می‌زدیم حساسیت‌هایی را که آقای داد نگرانش بودند، ارشاد نیز ممکن است داشته باشد و اتفاقاتی درباره فیلم بیفتد. درنهایت من پیشنهاد دادم فیلمنامه را برای مقام رهبری بفرستیم، و از آن‌جایی که ایشان به کارهای آقای حاتمی‌کیا علاقه داشتند و دارند، قرار بر این شد که نظر ایشان را جویا شویم، تا اگر مخالفتی بود، کار را فراموش کنیم و آقای حاتمی‌کیا هم ساخت این فیلم را منتفی بدانند. از طریق بزرگوار عزیزی ما فیلمنامه را برای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرستادیم. بعد از سه روز ایشان فیلمنامه را پس فرستادند و در حاشیه فیلمنامه چند جمله را نوشته بودند. من عین جملات ایشان را به خاطر ندارم و نقل به مضمون می‌کنم. ایشان خطاب به آقای حاتمی‌کیا نوشته بودند آقای حاتمی‌کیای عزیز، فیلمنامه بسیار خوب، قوی و ارزشمندی است، اما مگر در این خانه بسته است؟ اشاره تلویحی جمله ایشان به این موضوع بود که چرا شخصیت حاج کاظم در فیلم دست به یک عمل آنارشیستی می‌زند و برای نجات جان یک مجروح جنگی چنین کاری می‌کند. وقتی فیلمنامه با دست‌خط حضرت آقا به دست ما رسید، ما با آقای حاتمی‌کیا یک جلسه مشترک چهار نفره گذاشتیم. من و آقای حاتمی‌کیا هم‌چنان به‌جد معتقد بودیم که رهبر انقلاب از جایگاه و مقامی که دارند، این حرف را زدند، ولی ما به عنوان سینماگر وظیفه داریم شرایطی را که برای رزمندگان، بعد از جنگ اتفاق می‌افتد، بیان کنیم و آسیب‌شناسی اجتماعی از آن داشته باشیم. اگر بخواهم راحت‌تر توضیح دهم، باید بگویم ما نیمه پر جمله مقام

معظم رهبری را می‌دیدیم و آقای داد و آقای عسگری‌نسب نیمه خالی جمله ایشان را. آقای داد معتقد بودند جمله مقام معظم رهبری یعنی این‌که این فیلم را نسازید، و من و آقای حاتمی‌کیا نظری عکس ایشان داشتیم.

◇ با وجود نظر مقام معظم رهبری و قانع نشدن آقایان داد و عسگری‌نسب، اما آقای حاتمی‌کیا هم‌چنان بر ساخت فیلم اصرار داشتند؟

بله، حاتمی‌کیا در مقام نویسنده و کارگردان فیلمش را دوست داشت. نمی‌خواهم از زبان ایشان حرف بزنم و نظر شخصی خودم را می‌گویم. احساس من این بود که او به جمله حضرت آقا دل‌گرم بود و معتقد بود فیلم می‌تواند ساخته شود، چراکه یقین داشت فیلمی نمی‌سازد که مایه سرافکندگی و شرمساری شود، یا مسئله ایجاد کند و خطوط قرمزی را بشکند که تابه‌حال کسی نشکسته. آقای حاتمی‌کیا گواهی خواهند داد وقتی این اتفاق نیفتاد، من واقعا دلم سوخت. بنده اگر چند افسوس در سینمای ایران داشته باشم، قطعا یکی از آن‌ها این است که چرا من تهیه‌کننده «آژانس شیشه‌ای» نشدم. بعد از این‌که ساخته شدن «آژانس شیشه‌ای» در شرکت سینافیلم منتفی شد، تنها کاری که از دستم برمی‌آمد، این بود که به آقای حاتمی‌کیا پیشنهاد مبلغی پول دهم. به ایشان گفتم من یک مقدار پول شخصی دارم و اعلام آمادگی می‌کنم که می‌توانم فقط به دلیل اعتقاد شخصی به این فیلم و حرفش، آن را در اختیار تو قرار دهم تا اگر تهیه‌کننده دیگری پیدا کردی و مشکل مالی داشتی، این پول به عنوان قرض پیشت امانت باشد و هیچ توقعی هم ندارم. ایشان از من تشکر کرد، اما یادم است آن روز خداحافظی غریبانه‌ای با هم داشتیم.

◇ بعد از این‌که «آژانس شیشه‌ای» ساخته شد و در جشنواره به نمایش درآمد، شما هم‌چنان نظرتان درباره‌اش مساعد بود؟

بله، دلیل دل‌بستگی‌ام به این فیلم را در ادامه توضیح می‌دهم. آقای حاتمی‌کیا فیلمشان را ساختند. در سال ۷۶ که ما به ارشاد رفته بودیم،

سیف‌الله داد در اختتامیه نوزدهمین جشنواره فیلم فجر

نزدیک به روزهای برگزاری جشنواره فجر ابراهیم حاتمی‌کیا با من تماس گرفت و گفت فیلم را تمام کردم، اما خودم به‌شدت نگرانم. به همین دلیل ترجیح می‌دهم به جای این‌که آن را برای اداره نظارت و شورای مربوطه یا هیئت انتخاب جشنواره بفرستم، از تو می‌خواهم خصوصی و در عالم رفاقت بیایی و فیلم را در خانه من ببینی. من هم به حرمت یک فیلم‌ساز شاخص و برجسته انقلاب پذیرفتم و یک شب به منزل ایشان رفتم و دو نفری فیلم را دیدیم. مونتاژ فیلم کامل بود، اما هنوز موسیقی روی آن گذاشته نشده بود. من با توجه به همان فیلمنامه‌ای که خوانده بودم، احساس کردم فیلم از فیلمنامه بسیار سرتر شده است و به نظرم ارتقا پیدا کرده بود. بازی درخشان آقای پرستویی و حبیب رضایی جزو برگ‌های برنده فیلم شده بود. نوع دکوپاژ و روایت قصه از فیلمنامه خیلی فراتر بود. بماند که ما فیلم را در فضای پر از اشک و گریه دیدیم. بعد از پایان فیلم ما همدیگر را بغل کردیم و من به آقای حاتمی‌کیا تبریک گفتم و همان‌جا اعلام کردم اصلا تردید ندارم که این فیلم می‌تواند یکی از آثار شاخص تاریخ سینمای ایران شود. به او گفتم به همین دلیل می‌خواهم برای این فیلم کاری کنم. قبل‌تر توضیح دادم که آقای داد مراسم افتتاحیه برای جشنواره در نظر گرفته بودند و آن سال هنوز برای نمایش فیلم افتتاحیه تصمیمی گرفته نشده بود. من ساعت ۱۲ شب از منزل آقای حاتمی‌کیا با آقای داد که آن زمان در دفتر جشنواره بودند، تماس گرفتم و گفتم من الان «آژانس شیشه‌ای» را دیدم و به نظرم کار فوق‌العاده‌ای شده و توصیه می‌کنم آیین افتتاحیه را با این فیلم شروع کنیم. آقای داد از آن‌جایی که در جریان قصه و مسائل این فیلم بودند، از من پرسیدند مطمئنی؟ و من در پاسخ به ایشان گفتم اندک تردیدی در این موضوع نکنید. گفتم اگر می‌خواهید این دوره از جشنواره دوره شاخصی شود و مراسم افتتاحیه که برای اولین بار برگزار می‌شود، متفاوت باشد، با «آژانس شیشه‌ای» شروع کنیم. ایشان هم به دلیل همان اعتماد متقابل و صددرصدی که بین ما وجود داشت، پذیرفت و من همان‌جا به آقای حاتمی‌کیا گفتم حالا باید با سرعت بیشتری روی مراحل فنی فیلمت کار کنی، چون قرار است فیلمت روز ۱۲ بهمن‌ماه و در اولین روز از جشنواره نمایش داده شود. همه این تلاش‌ها به ثمر رسید و فکر می‌کنم یک غافل‌گیری

سال ۷۶ نظر آقای داد این بود که حتما افتتاحیه هم برای جشنواره برگزار شود، البته نه به این معنا که فقط شاهد یک مراسم تحت این عنوان باشیم. ایشان معتقد بودند افتتاحیه فرصتی است که ما می‌توانیم سینمای ایران، به‌خصوص آثار شاخصی را که در آن تولید می‌شود، بهتر به جامعه معرفی کنیم

بزرگ در جشنواره به وجود آمد. این‌ها را من از زاویه‌دید خودم نمی‌گویم. بازتاب عجیب و غریب و گسترده این فیلم در مطبوعات و رسانه‌های آن زمان گواه است. همه درباره فیلم آقای حاتمی‌کیا زبان به تحسین گشودند و افتتاحیه آن دوره نیز بسیار باشکوه و پررونق برگزار شد. به نظرم در همه این سال‌ها شرایط به گونه‌ای پیش رفت که سایه «آژانس شیشه‌ای» بر سر جشنواره سنگینی کرده است.

◇ می‌خواستید از دل‌بستگی‌تان به «آژانس شیشه‌ای» و دلیلتان برای تحسین این فیلم بگویید.

یکی از دلایل دل‌بستگی من به این فیلم و هم‌چنین علاقه‌ام به فیلمنامه و رغبتم برای ساخته شدن آن و در عین حال محبوبیت این فیلم بعد از نمایش میان مردم، این بود که پس از مدتی طولانی ما در سینمای ایران شاهد قهرمان بودیم؛ قهرمانی که عمل می‌کند، قهرمانی که نسبت به وضع موجود ناراضی است و شورش می‌کند و وضعیت را تغییر می‌دهد. این موضوع به نظر من گم‌شده سینمای ایران در این سال‌هاست که در سال‌های اخیر به‌ندرت در فیلم‌هایمان داشتیم. یکی از تعلقات خاطر من همین موضوع است و همیشه می‌گویم کاش می‌شد سینمای ایران به این شکل از قهرمان که قهرمانی بومی است، تقلیدی نیست و از خارج نیامده و ریشه در فرهنگ ما دارد، باز هم بپردازد. جسارت «آژانس شیشه‌ای» به همین نکته برمی‌گشت. اما حالا افسوس می‌خورم که چرا فیلم‌هایی از این دست در سینمای ما ادامه پیدا نکرد.

◇ استقبالی که در افتتاحیه از فیلم شد، بعد از جایزه گرفتن این فیلم در رشته‌های مختلف به چه شکل بود؟ فضا از سوی سایر سینماگرانی که در آن دوره فیلم داشتند، چطور بود؟ همان نگاه مثبت بعد از اختتامیه هم به فیلم وجود داشت؟

تا جایی که حافظه‌ام یاری می‌کند، تقریبا می‌توانم بگویم مخالفت معناداری با این فیلم ندیدم. شاید کسانی از فیلم خوششان نیامد، اما میزان توجه رسانه‌ها، منتقدان و مخاطبان نسبت به این فیلم زیاد بود. مخالفتی با این مضمون که جوایز حق این فیلم نبوده هم در خاطرم نیست.

◇ «درخت گلابی» داریوش مهرجویی هم در جشنواره حضور داشت. این فیلم البته سهمی از جوایز نبرد. دلیل آن، موضوع فیلم بود، یا این‌که نظر داوران درنهایت منجر به توجه کمتر به این فیلم شد؟

وقتی هیئت داوران انتخاب می‌شوند، هر کدام سلایق خاص خودشان را دارند و نظر آقای داد هم این بود که اصلا و ابدا درباره بحث داوری در جشنواره ورود نکند. «درخت گلابی» آقای مهرجویی یکی از آثار شاخص آن دوره جشنواره بود که جزو کارهای خوب خود آقای مهرجویی هم به حساب می‌آید. اما در همان دوره به نظر من «آژانس شیشه‌ای» با هیمنه‌ای وارد جشنواره شد و چون فیلم جسارت‌آمیزی بود و بازی‌های درخشانی هم داشت، بسیار مورد توجه قرار گرفت. «آژانس شیشه‌ای» سوژه‌ای نو را در سینمای ایران روایت می‌کرد. از طرف دیگر، نگاهی متفاوت به سینمای پس از جنگ داشت و این نگاه با اجرایی مسلط ارائه شده بود. همه این‌ها باعث شد داوران در آن دوره تصمیم بگیرند که این فیلم سهم بیشتری از جوایز ببرد. اما من از جزئیات آن‌چه در داوری آن دوره گذشت، بی‌خبرم، چون از ابتدا هم بنای به ورود نبود. درباره استقلال رأی داوران که به آن اشاره کردم، می‌خواهم نکته‌ای را بگویم که شاید خالی از لطف نباشد. من در سال ۷۷ بنا به دلایلی از وزارت ارشاد بیرون آمدم و تا سال ۷۸ چند کار سینمایی از جمله «زیر نور ماه» ساختم. آقای داد هم‌چنان به عنوان معاونت سینمایی وزارت ارشاد در این وزارت‌خانه حضور داشتند. وقتی «زیر نور ماه» متقاضی حضور در جشنواره سال ۷۸ شد، از سوی هیئت انتخاب برای حضور در این رویداد رد شد. آقای میرکریمی که فیلمش نگاهی متفاوت و تازه به

اختتامیه نوزدهمین دوره جشنواره فیلم فجر

موضوع روحانیت داشت، از این اتفاق بسیار برآشفته بود و یادم می‌آید پیش من آمد و شاید درخواستش این بود که به دلیل ارتباطی که من با آقای داد دارم، کاری برای این فیلم کنم. من بر مبنای نظر شخصی و اعتقادی خودم بر این باور بودم که نباید چیزی را به هیئت انتخاب تحمیل کنیم. آقای میرکریمی شهادت خواهند داد که من به ایشان گفتم تو فیلم‌ساز جوانی هستی و در اول راه. به او گفتم من می‌توانم به تو جایزه‌ای بدهم که شاید از سیمرغ هم برایت باارزش‌تر باشد و آن رضایت خودم به عنوان تهیه‌کننده است، چراکه تو کاری ساخته‌ای که برای من به عنوان تهیه‌کننده نهایت حد رضایت قلبی درباره یک فیلم را به وجود آورده است، اما به‌هرحال ممکن است دوستان متوجه مفهوم این فیلم نشده باشند، و از این بابت ناراحت نباش و موضعی نگیر. من این‌ها را به آقای میرکریمی گفتم، اما از طرفی هم دلم می‌سوخت و معتقد بودم فیلم «زیر نور ماه» این ارزش را دارد که در بخش مسابقه سینمای ایران باشد. حتی این‌که کاندیدا نشود و جایزه هم به آن تعلق نگیرد، مهم نبود. فقط دوست داشتم در جشنواره دیده شود. سه، چهار روز از این ماجرا که گذشت، خدمت آقای داد رفتم. با این‌که چه در جلسات عمومی و چه خصوصی همیشه ایشان را مقدم بر خود می‌دانستم، ماجرای برآشفتگی آقای میرکریمی را برای ایشان تعریف کردم و توضیح دادم که «زیر نور ماه» فیلم خوبی شده، اما هیئت انتخاب جشنواره آن را رد کرده. البته همه این موارد را در حالی مطرح کردم که می‌دانستم آقای داد برای هیچ موردی حتی حاضر نیستند به شخصی یک تلفن بزنند. در نتیجه صحبت‌های ما قرار بر این شد که تا روز ۲۳ بهمن من آقای میرکریمی را راضی کنم که موضع‌گیری علیه این اتفاق نداشته باشند و خودم هم اعتراضی نکنم. یادم می‌آید آن موقع در جشنواره ۲۰ فیلم بود. به همین دلیل به آقای داد گفتم اگر «زیر نور ماه» از نظر اعتبار هنری، فیلم بیست‌ویکم بود، ما هم‌چنان به سکوتمان ادامه می‌دهیم. اما حق ما بدانید به عنوان کسانی که روی اثر خودشان تعصب دارند، اگر این فیلم به نسبت فیلم‌هایی که هیئت انتخاب به عنوان فیلم‌های راه‌یافته به جشنواره برگزیدند، فیلم نوزدهم بود، اعتراض خودمان را بعد از جشنواره ارائه دهیم. ایشان گفتند تو می‌دانی که موضع من چیست و اصلا کاری به این چیزها ندارم. هیئت انتخاب نظرش را داده و فیلم را نپسندیده. جهت اطلاعتان می‌گویم که آقای داد خودشان هم فیلم را ندیده بودند. دو یا سه روز بعد، آقای امیر اثباتی و کمال تبریزی که از اعضای هیئت انتخاب بودند، وقتی آخرین فیلم‌ها را دیده بودند، خودشان به این نتیجه رسیدند که از این فیلم به‌راحتی گذشته‌اند. یادم می‌آید آقای اثباتی به من زنگ زدند و گفتند می‌شود یک بار دیگر فیلم را به جشنواره بفرستید تا ما دوباره آن را ببینیم. ما هم مجددا کار را فرستادیم و بعد از دیدن دوباره هیئت انتخاب، فیلم به بخش اصلی جشنواره راه پیدا کرد. نکته جالب این‌که وقتی هیئت انتخاب چنین تصمیمی می‌گیرند و به آقای داد اطلاع می‌دهند، ایشان می‌گویند اگر فقط فیلم «زیر نور ماه» دوباره بازبینی شود، شائبه پارتی‌بازی و لابی‌گری به وجود می‌آید. به همین خاطر یک فیلم دیگر را هم که فکر می‌کنید دارای ارزش‌های این‌چنینی است، دوباره بازبینی کنید.

◇ از سمت خودتان به عنوان تهیه‌کننده هم هیچ لابی و صحبتی اتفاق نیفتاد؟

واقعا می‌گویم که این‌طور نبود. خود هیئت انتخاب به این جمع‌بندی رسیده بودند که دوباره فیلم را ببینند. آن زمان هم آقای میرکریمی به این درجه از شهرت نرسیده بودند و با توجه به این‌که فیلم «کودک و سرباز» ایشان هنوز اکران نشده بود، شاید هیئت انتخاب فکر می‌کرد با فیلم کارگردان جوان و تازه‌کاری روبه‌روست. از طرف دیگر، فیلم بدون صداگذاری و برخی از مراحل فنی به دست هیئت انتخاب رسیده بود. اما وقتی فیلم به جشنواره رفت و نمایش داده شد، توجه رسانه‌های آن دوره را جلب کرد و اسباب شگفتی خیلی‌ها شد. در آن دوره ما فقط به یک جایزه ویژه هیئت داوران برای این فیلم دست یافتیم. برای شخص من که جایزه هیچ‌وقت امر ویژه، مهم و خاصی نبوده. همین که فیلم در جشنواره دیده شد و به دلیل سوژه بسیار ملتهبش بازتاب‌های فراوانی در جامعه سیاسی و فرهنگی کشور ایجاد کرد، کافی بود. در این فیلم برای اولین بار ما به حوزه روحانیت ورود پیدا می‌کردیم و برای من اهمیت داشت

تا این فیلم و نگاهش به این موضوع مورد توجه قرار بگیرد. اتفاق‌های مثبت درباره «زیر نور ماه» موقعی تکمیل شد که بلافاصله بعد از جشنواره فجر، کاندیدای حضور در جشنواره کن شد و این فیلم در جشنواره کن نیز جایزه ویژه هفته منتقدان کن را از آن خود کرد. بعد از آن هم فکر می‌کنم در حدود ۳۰ یا ۴۰ جشنواره بین‌المللی شرکت کرد و جوایز زیادی هم به دست آورد.

◇ سیمرغ فیلم برگزیده تماشاگران در دوره شانزدهم، به جشنواره اضافه شد. از اهمیت این جایزه و نقش خانه سینما در جمع‌آوری آن بگویید.

یکی از نکات دیگری که آقای داد به جشنواره فجر در دوران دبیری‌شان اضافه کردند، همین جایزه بود. این جایزه در برخی دیگر از جشنواره‌های مطرح دنیا و نه در همه آن‌ها، مرسوم بود. آقای داد معتقد بودند جشنواره فجر متعلق به مردم است و خوب است که در کنار نظر حرفه‌ای و تخصصی داوران جشنواره، نظر مردم را هم بدانیم. من و آقای داد جامعه‌شناسی خوانده‌ایم و بسیاری از ذهنیات و تفکراتی که درباره مسائل مختلف داشتیم، مربوط به دروس دانشگاهی و مطالعاتمان بود. آقای داد معتقد بودند اگر داوران به شکل تخصصی فیلمی را می‌بینند، باید اجازه دهیم جامعه هم نظرش را گرچه مخالف، بدهد. چراکه این مسئله باعث می‌شود برآیند همه نظرات را به عنوان کلیت در سینما ببینیم. ایشان می‌گفتند خوب است سینماگران ما بدانند که نظر مردم و داوران چه تفاوت‌هایی با هم دارند. البته در بعضی سال‌ها نظر داوران و مردم با هم مماس بود و گاهی هم کاملا متضاد. از آن‌جایی که ایشان به نهادهای مدنی از جمله خانه سینما اعتقاد زیادی داشتند و خیلی از مسئولیت‌ها را هم به خانه سینما سپرده بودند، این موضوع را هم به خانه سینما واگذار کردند، تا این بخش کاملا غیردولتی باشد و شائبه دخالت و درگیری دولت در آن پیش نیاید.

◇ در هجدهمین دوره جشنواره «بوی کافور، عطر یاس» به عنوان یکی از آثار متفاوت سینمای ایران و از کارگردانی که بعد از انقلاب

فیلم سینمایی بوی کافور، عطر یاس

فیلمی نساخته بود و از خارج به ایران بازگشته بود، در جشنواره حضور یافت و جایزه بهترین فیلم را از آن خود کرد، چقدر فضای سینما در آن دوره باز شده بود که می‌توانست چنین امکانی فراهم شود؟

برای این‌که پاسخ به این سوال را دقیق‌تر و روشن‌تر بیان کنم، می‌خواهم خاطره‌ای را که از شخص مرحوم داد شنیدم، نقل کنم. آقای فرمان‌آرا پیش از انقلاب یکی دو فیلم مطرح از جمله «شازده احتجاب» ساخته بودند و بعد از آن چند سالی به خارج از کشور سفر کردند. بعد از این‌که تصمیم می‌گیرند به ایران برگردند و دوباره فیلم بسازند، دقیقا بعد از بازگشت به ایران مستقیما به آقای داد مراجعه می‌کنند و یک فیلمنامه را قبل از این‌که وارد مدار رسمی و اداری شود، به ایشان می‌دهند و نظرشان را می‌خواهند. آقای داد نقل می‌کردند من فیلمنامه آقای فرمان‌آرا را خواندم و به ایشان توصیه کردم این فیلم را نسازند.

◇ خاطرتان هست چه فیلمنامه‌ای بود؟

نه، یادم نمی‌آید. ولی می‌دانم بنا به مصالحی، آقای داد درباره آن فیلمنامه به آقای فرمان‌آرا توصیه کردند کار را نسازند. بعد از آن در جلسه‌ای دیگر آقای فرمان‌آرا ایده ساخت فیلم «بوی کافور، عطر یاس» را مطرح می‌کنند و آقای داد هم ایشان را به‌شدت تشویق می‌کنند که فیلم را بسازند. آقای فرمان‌آرا این کار را ساختند که بعد هم با استقبال روبه‌رو شد و در جشنواره هم جوایز زیادی را به خود اختصاص داد.

◇ پس از صحبت‌هایتان می‌توان این‌طور برداشت کرد که اساسا فضای مدیریتی حاکم بر آن دوره فضایی بازتر نسبت به دوره‌های قبل شده بود. درست است؟

وقتی آقای داد سمت معاونت سینمایی وزارت ارشاد را داشتند و من هم در مقام مدیرکل نظارت و ارزش‌یابی بودم، ایشان تاکید داشتند با سعه صدر بسیار، البته تا جایی که مقدورات اجازه می‌داد، با فیلم‌سازان برخورد شود. همین اتفاق هم می‌افتاد. البته ما نمی‌توانستیم فضایی شبیه

سینمای آمریکا برای فیلم‌سازان فراهم کنیم و اعتقادی هم اساسا به آن نداشتیم. این‌جا لازم است بگویم شاید یکی از مشکلاتی که در حال حاضر در سینما با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنیم، نگاه برخی سینماگران به تفاوت بین خطوط قرمز شرعی و قانونی و خطوط قرمز عرفی است. حدود خطوط قرمز شرعی و عرفی را همه می‌دانند و باید آن را بپذیرند و از آن تبعیت کنند. اما خطوط قرمز عرفی لزوما این‌طور نیستند. ممکن است چند سالی بشود با آن‌ها مدارا کرد، اما از آن سو وظیفه فیلم‌سازان است که به جنگ آن‌ها که هیچ مبنای شرعی و قانونی ندارند، بروند. به نظر من یکی از عواملی که مانع بالندگی سینمای ایران شده، این است که نه‌تنها از حجم خطوط قرمز عرفی کم نشده، بلکه بر آن‌ها افزوده هم شده. شاید آخرین مورد آن را بتوان در مستند «غیررسمی» که فرمایشات مقام معظم رهبری درباره فیلم «مارمولک» است دید؛ این‌که اساسا نظر عالی‌ترین مقام مسئول کشور چیست و در مراتب پایین‌تر دیگران چه نظری دارند. از نظر من مدیریت فرهنگی مانند رزمنده‌ای است که اصطلاحا به میدان مین می‌رود و معبر باز می‌کند. مدیر فرهنگی باید این ویژگی را داشته باشد، اما پشت سر او یک لشکر از آن معبر به سلامت رد می‌شود. متاسفانه مدیران فرهنگی ما تبدیل به نیروی پشتیبانی شده‌اند و از خط آتش توپخانه خیلی دور هستند. فیلم‌ساز به یک پارتنر ذهنی و فکری که به او شهامت و جسارت می‌دهد، نیاز دارد تا بتواند با فراغ بال در دل موضوعات ملتهب برود.

به گمان من برخی از فیلم‌سازان خیلی پیش‌تر از اندیشکده‌های فکری و مراکز سنجش آمار و نظرسنجی توانسته‌اند مسائل و شکاف‌های اجتماعی را پیش‌بینی کنند. «آژانس شیشه‌ای» و «مارمولک» نمونه آثار پیش‌قدم در این زمینه هستند. درست است که این فیلم‌ها در یک بستر اجتماعی روز می‌گذرند، ولی وقتی به بطن و درون‌مایه آن‌ها عمیق می‌شویم، متوجه می‌شویم زنگ خطر و هشداری را به صدا درآورده‌اند. بسیاری از افرادی که مسئولیت دارند، می‌توانند راجع به آن‌ها فکر کنند و درباره مسائل مطرح‌شده در آن فیلم‌ها چاره‌اندیشی

کنند. حالا اما بنا به مصلحت‌اندیشی‌ها و بها دادن به خطوط قرمز عرفی، سینماگران به طرف اخته شدن و خودسانسوری بیش از حد سوق داده می‌شوند.

◇ ماجرای فیلم «موج مرده» و حذف قسمت‌هایی از آن برای نمایش در جشنواره و درنهایت نشست آن که پرحاشیه شد، چه بود؟

«موج مرده» را آقای حاتمی‌کیا با مجموعه انجمن دفاع مقدس یا روایت فتح ساخته بودند. بعد از تمام شدن فیلم و نمایش آن در یک محفل خصوصی، مسئولین وقت تشکیلات به‌شدت برآشفته شده بودند که این فیلم همانی نیست که ما می‌خواستیم، یا فکر می‌کردیم. فیلم ظاهرا قرینه‌هایی هم درباره یکی از مسئولین داشت. این مسئله سبب اختلاف نظر جدی شده بود. البته همه این موارد را من شنیده‌ام و نقل می‌کنم. مباحث و اختلاف نظرها بین آقای حاتمی‌کیا و مسئولان آن تشکیلات ادامه پیدا می‌کند و تاکید بر اصلاح فیلم می‌شود. نهایتا بحث‌ها منجر به این می‌شود که یک حَکَم انتخاب کنند. هر دو طرف بر سر حَکَم شدن بنده توافق می‌کنند. این مسائل هم به قبل از جشنواره فجر آن سال برمی‌گردد. بعد از این‌که من فیلم را دیدم، با دوستان جلسه‌ای گذاشتیم و به آن‌ها اعلام کردم که نظر حاتمی‌کیا درست است و آقایان اشتباه می‌کنند. در واقع یک مصلحت‌اندیشی عرفی در این قضیه در نظر گرفته بودند که درست هم نبود. من اعلام کردم که اگر نظر من را می‌خواهید، اجازه دهید این فیلم در جشنواره نمایش داده شود و به فیلم هم دست نزنیم و صحنه‌ای را هم تغییر ندهیم. از آن‌ها خواستم که اجازه دهند واکنش مخاطبان، منتقدان و اهالی رسانه را ببینیم و اگر بعدا خود آقای حاتمی‌کیا به این نتیجه رسید که صحنه یا پلانی از فیلم باید اصلاح یا تعدیل شود، خودش با خواست خودش این کار را کند و این امر جنبه دستوری پیدا نکند. متاسفانه علی‌رغم این‌که طرفین پذیرفته بودند که من حَکَم شوم،

بنده اگر چند افسوس در سینمای ایران داشته باشم، قطعا یکی از آن‌ها این است که چرا من تهیه‌کننده «آژانس شیشه‌ای» نشدم

آن‌ها کماکان بر نظر خودشان پافشاری کردند و حاتمی‌کیا هم بر نظر خودش اصرار داشت و به هیچ تفاهمی نرسیدند. یک روز صبح که ظاهرا فیلم برای مطبوعات نمایش داشت، از آن‌جایی که بخش‌هایی از فیلم را قیچی کرده بودند، آقای حاتمی‌کیا با من تماس گرفت و گفت می‌خواهم فوری ببینمت. من هم گفتم به دفترم تشریف بیاورید. او بسیار برآشفته، عصبی، ناراحت و با صورتی برافروخته و کیسه‌ای که بریده‌های فیلم در آن بود، به دفتر من آمدند و گفتند می‌خواهم با این کیسه به سالن مطبوعات بروم و بگویم که با فیلم من این کار را کردند. تنها کاری که در آن جلسه از دست من برمی‌آمد، با این‌که هیچ نسبتی با آن فیلم نداشتم، این بود که از ایشان خواهش کنم نروند. گفتم این کار خیلی به مصلحت نیست و به نظرم باعث می‌شود به عنوان یک فیلم‌ساز وارد جدالی بشوی که کم‌حاصل است. تلاش یک ساعته من برای آرام کردن ایشان بی‌نتیجه ماند و آقای حاتمی‌کیا با همان حال به سالن مطبوعات رفت و آن اتفاقاتی افتاد که همه شاهدش بودیم.

◇ «سگ‌کشی» در این دوره از جشنواره بسیار مورد توجه قرار گرفت و جوایزی را از آن خود کرد. آیا می‌توان چنین برداشت کرد که به نوعی در ادامه مسیرهایی که هر از گاهی در دوره‌های گذشته دیده شد، مثل توجه به فیلم فرمان‌آرا، دیده شدن فیلم بیضایی در صدر آثار جشنواره، حاصل توجه به نگاه سینمایی بوده و به نوعی جشنواره از معنای دقیق‌تر به صورت حرفه‌ای به سینما و محصول سینما نگاه کرد؟

واقعیت این است که ما در کشوری مثل ایران با همه ملاحظات و مسائلی که در آن وجود دارد، زندگی می‌کنیم. فارغ از سینما در نظر بگیرید مثلا شخصی را در مرکز هواشناسی منصوب

فیلم سینمایی سگ کشی

کنند، فردی ترسو، محافظه‌کار و بزدل که یا نگران میز و مقام و مدیریت است، یا اساسا این‌گونه شخصیتی دارد. همین کافی است مدیر این روحیه را به بدنه آن سازمان و تشکیلاتی که مدیریت می‌کند، تزریق کند. خودتان می‌دانید کارشناس هواشناسی که قرار است هوای چند روز آینده را با ترس و لرز اعلام کند، چه می‌گوید! در این صورت به یک وضعیت تراژیک نزدیک می‌شویم. آقای داد نگاهی که به زیرمجموعه خودش منتقل می‌کرد، سینما به ماهو سینما بود؛ این‌که باید فرم و محتوا، ظرف و مظروف با هم عجین شوند. ممکن است فیلمی ساخته شود که به ظاهر شعارهای عامه‌پسند داشته باشد، اما فاقد بیان سینمایی باشد، و این اثر در تاریخ سینما نخواهد ماند. من آقای بیضایی را یکی از کسانی می‌دانم که در حوزه تئاتر و سینما از اساتید هستند. البته که بیان سینمایی ایشان بیانی خاص و منحصر به خودشان است. طرح‌های ژنریک برخی از فیلم‌سازهای ما مثل کیارستمی و فرهادی ساخته شده، ولی تا این لحظه کسی ژنریک آقای بیضایی نشده است. تسلط ایشان به ادبیات، زبان و کلام در حد بالایی است و ایشان از حرفه‌ای‌ترین‌ها در حوزه سینما هستند. من به‌تازگی مصاحبه‌ای از آقای بیضایی درباره انگیزه‌ای که باعث شد «سگ‌کشی» را بسازند، شنیدم. ایشان توضیح دادند که من این فیلم را به این دلیل ساختم که جامعه‌ای که با شعار معنویت شروع کرده، چطور به یک‌باره دچار استحاله‌ای شد که مادیات در آن حاکم است. قصه فیلم «سگ‌کشی» هم همین است؛ مردی که حتی حاضر می‌شود ناموس و شرف خودش را سپر بلای مادیات کند. به گمان من همان چیزی که من راجع به «آژانس شیشه‌ای» و «مارمولک» گفتم، درباره فیلم آقای بیضایی هم صدق می‌کند، و ایشان به نظر من خاوری‌ها و زنجانی‌هایی را که سال‌ها بعد از «سگ‌کشی» تولید شدند، در آن زمان به تصویر کشیدند و زنگ خطر حضور این افراد را همان موقع به صدا درآوردند و هشدار دادند. ممکن است مردانی پیدا شوند که به خاطر مال دنیا و پول همه چیز، حتی ناموس و شرف خودشان را هم زیر پا بگذارند. این فیلم فیلم‌برداری و بازهای فوق‌العاده‌ای دارد. این‌ها را از منظر تخصصی سینمایی می‌گویم، چون ممکن است اگر چنین فیلمی به من پیشنهاد شود، تهیه‌کنندگی‌اش را نپذیرم. ولی می‌خواهم بگویم وقتی یک کار درست است، باید به درست بودنش اذعان کرد.

هارون یشایایی، تهیه‌کننده فیلم‌های مطرح سینما، از تجربه حضور در جشنواره فجر می‌گوید

بدون در نظرگرفتن یهودی بودنم به من جایزه دادند؛ این ارزشمندترین است

◇ نژلا پیکانیان

هارون یشایایی را سینماگران به عنوان تهیه‌کننده کاربلدی می‌شناسند که تجربه تولید و ساخت فیلم‌های شاخص و مطرح سینمای ایران را در کارنامه‌اش دارد. تهیه‌کننده اهل فرهنگ و صاحب اندیشه‌ای که در رشته فلسفه علوم اجتماعی در دانشگاه تهران تحصیل کرده و شاید ردپای این تحصیلات را بتوان در حضور او به عنوان تهیه‌کننده در برخی از فیلم‌های داریوش مهرجویی پیدا کرد. او تهیه‌کننده بسیاری از آثار ارزشمند تاریخ سینمای ایران بوده و با فیلم‌سازان بزرگی کار کرده؛ ناصر تقوایی در «ای ایران» و «ناخدا خورشید»، مهرجویی در «هامون» و «اجاره‌نشین‌ها»، احمدرضا درویش در «کیمیا»، مسعود جعفری جوزانی در «در مسیر تندباد» و علیرضا داودنژاد در «جایزه». این تهیه‌کننده پیش‌کسوت، خوش‌اخلاق و خوش‌صحبت در سال ۱۳۸۷ در بیست‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر جایزه بهترین تهیه‌کننده بعد از انقلاب اسلامی را دریافت کرد؛ جایزه‌ای که می‌گوید برایش ارزش زیادی دارد، چراکه احساس می‌کند فارغ از یهودی بودنش و موضع‌گیری سیاسی و اعتقادی به او داده شده است. یشایایی در گفت‌وگو با نشریه مجازی سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر از تجربیاتش در سال‌های تهیه‌کنندگی در سینما و دورانی که فیلم‌هایش در جشنواره‌های مختلف حضور داشتند، گفته است.

◇ آقای یشایایی، با توجه به تجربه‌ای که از سال‌ها نمایش فیلم‌هایتان در جشنواره فجر دارید، ارزیابی شما این است که این جشنواره سلیقه خاصی را در انتخاب و برگزیده کردن فیلم‌ها دنبال می‌کند؟

اگر روند برگزاری جشنواره را از اولین دوره تا کنون بررسی کنیم، باید بگویم این‌طور نبوده که همواره یک سلیقه خاص در این رویداد حاکم باشد. با تغییر هیئت داوران و مدیریت سینما در بخش‌های مختلف دیدگاه‌ها نیز تغییر می‌کرده و اساسا یک بینش خاص در همه ادوار وجود نداشته است. برای نمونه، باید بگویم همه فیلم‌هایی که من به عنوان تهیه‌کننده در آن‌ها حضور داشتم، یک پیشینه فکری داشتند. وجود این نکته در آثار باعث می‌شد که هیئت داوران آن‌ها را انتخاب کنند. مثلا «اجاره‌نشین‌ها» راجع به مسئله سکونت در تهران و اجاره بها و مسائل مالی‌ای بود که به این قضیه مربوط می‌شد. کارگردان فیلم داریوش مهرجویی بود و او نیز خط فکری خودش را داشت. اما با این‌که فیلم در گیشه با موفقیت زیادی مواجه شد، در جشنواره خیلی مورد استقبال قرار نگرفت. این به همان بحث بینش داوران برمی‌گردد.

◇ دقیقا همین‌طور است و فقط یک جایزه در زمینه صدا به «اجاره‌نشین‌ها» تعلق گرفت. این مورد توجه قرار نگرفتن در جشنواره فجر به نظر خودتان به چه دلیل بود؟

شاید مثلا سلیقه حاکم بر جشنواره در آن سال این‌طور بود که خیلی این فیلم را تحویل نگرفتند. حالا این را که چه نگاهی پشت این قضیه بود و به چه دلیل این اتفاق افتاد، من نمی‌دانم. آن هم با وجود این‌که این فیلم هنوز هم به عنوان یک اثر سینمایی خوب، درست و قوی شناخته می‌شود و هم‌چنان هم جزو شاخص‌ترین فیلم‌های سینمایی ایران به حساب می‌آید.

◇ بعدها اما «ناخدا خورشید» در رشته‌های مختلف نامزد شد و جایزه‌هایی هم از این جشنواره گرفت. حضور این فیلم در جشنواره را چطور ارزیابی می‌کنید؟

«ناخدا خورشید» هم فیلم خاصی بود. شاید باورتان نشود، اما هیچ‌کس به دلیل شرایط سختی که تولید این فیلم داشت، جرئت نمی‌کرد به سمت آن بیاید. اما من تهیه‌کنندگی «ناخدا خورشید» را به خاطر همین فضای خاصش قبول کردم و اتفاقا فیلم بسیار پرهزینه‌ای هم بود که برخلاف «اجاره‌نشین‌ها» در گیشه چندان جواب نداد. اما من این فیلم را هم‌چنان جزو تجربه‌های خوب خودم می‌دانم و به جرئت می‌توانم بگویم بهترین کار ناصر تقوایی هم هست. البته به‌جز سریال «دایی جان ناپلئون» که شرایطش فرق داشت. «دایی جان ناپلئون» یک اثر تلویزیونی بود، اما «ناخدا خورشید» در حوزه سینما به نظر من بهترین اثر اوست.

◇ چرا آن زمان از «ناخدا خورشید» آن‌طور که انتظار می‌رفت، استقبال نشد و به قول شما در گیشه مورد توجه قرار نگرفت؟

می‌خواهم نکته‌ای را در این زمینه به شما بگویم که بی‌ارتباط با جواب سوالتان نیست. الان حدود دو سال است که من به دلیل شرایط جسمانی نمی‌توانم در جشنواره‌ها حضور فیزیکی داشته باشم. اما به نظر من دو نکته درباره فیلم‌های جشنواره اهمیت زیادی دارد؛ اولی عکس‌العمل تماشاچیان است، دومی هم واکنش و تصمیم داوران درباره یک اثر. که به نظر من عکس‌العمل تماشاچی بر نظر داوران هم تا حدودی حتی به شکل ناخودآگاه تاثیراتی می‌گذارد. مثلا درباره «ناخدا خورشید» نکته‌ای که وجود داشت، این بود که اساسا این فیلم برای تماشاچی سنگین بود و مخاطب نمی‌توانست این فیلم را به لحاظ بار سنگینی که داشت، درک کند. شاید در آن سال‌ها و با آن وضعیت سینما این فیلم برای مخاطب چندان قابل لمس و فهم نبود. اما یادم می‌آید حدود یکی دو سال پیش این فیلم در سینما فلسطین نمایش داده شد و در هر دو سانس نمایش این فیلم، سالن پر از تماشاچی شده بود و استقبال بسیار بی‌نظیری از آن شد و همه بعد از پایان فیلم چند دقیقه‌ای دست زدند. اما خودم به خاطر دارم در سالی که «ناخدا خورشید» برای اولین بار اکران شد، برخی از تماشاگران وسط فیلم سالن را ترک کردند. همه این‌ها به شرایط هم برمی‌گردد.

◇ «ناخدا خورشید» آن سال موفق به کسب جایزه بهترین فیلم از جشنواره نشد. در این سال‌ها اغلب تهیه‌کنندگان معترض می‌شوند که چرا فلان جایزه به آنان تعلق نگرفته و گویا دو سه سیمرغ کفایت نمی‌کند

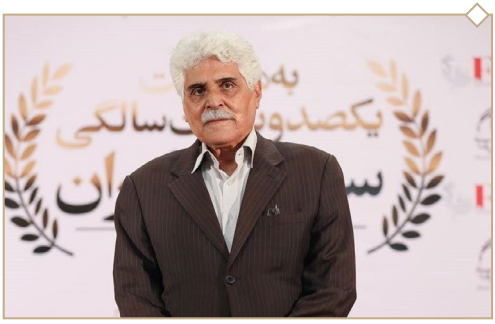

و سیمرغ مدنظرشان باید به آنان اعطا شود. اما در آن سال‌ها نشانه‌ای از این اعتراض‌ها دیده نمی‌شد، حتی به طور مشخص از طرف خودتان هم این اتفاق نیفتاد. در آن سال‌ها نگاه‌ها به جایزه نگرفتن یک فیلم چطور بود؟

درست است، این اعتراض هرگز از سمت من برای هیچ فیلمی پیش نیامد. همیشه اعتقاد شخصی من این بود که باید به نظر داوران احترام گذاشت و تحت هر شرایطی نظر آن‌ها را درباره جایزه‌ای که دادند، پذیرفت. بالاخره وقتی هفت نفر آدم دور هم می‌نشینند و یک اثر را بررسی می‌کنند، لابد دلیل و منطقی برای انتخابشان دارند. من فارغ از هرگونه مسائل حاشیه‌ای، معتقدم باید به اصل داوری احترام گذاشت.

◇ اگر موافق باشید، برگردیم به بحث درباره «اجاره‌نشین‌ها». این فیلم با همه سختی‌هایی که در تولید داشت و به لحاظ محتوایی نیز از اهمیت بالایی برخوردار بود و هم‌چنان هم یکی از شاخص‌ترین کمدی‌های تاریخ سینمای ایران است، فقط جایزه صدا را از جشنواره فجر می‌گیرد. این نگاه به فیلم را حاصل چه می‌دانید؟

نمی‌خواهم در این زمینه موضع‌گیری خاصی داشته باشم. من خودم هم در دوره‌های مختلف جشنواره داور بودم و معتقدم هر آن‌چه اتفاق افتاده، سلیقه‌ای بوده. بنابراین من یا هر تهیه‌کننده، کارگردان و بازیگری نمی‌تواند به داوران بگوید سلیقه من را اعمال کن. داور یک شخص مستقل است. در جمع هیئت داوران سلیقه‌های دیگری هم وجود دارد، طبیعی است که سلیقه یک داور فیلمی را نپسندد. شاید در آن دوره هم درباره «اجاره‌نشین‌ها» همین اتفاق افتاده و مجموعه داوران رأیشان فیلم دیگری بوده. شاید هم دلایل دیگری وجود داشته، اما من از آن‌ها بی‌اطلاعم. ولی باز هم تاکید می‌کنم همیشه نظر من این بوده که نظر داوران هر جا که باشد، محترم است. حتی اگر نظرشان درباره فیلم من هم به گونه‌ای باشد که جایزه به آن تعلق نگیرد، باز برای من محترم است. کما این‌که در دوره‌ای از جشنواره درباره «اجاره‌نشین‌ها» این اتفاق افتاد و با وجود مورد توجه قرار گرفتن این فیلم از سوی مردم و هم این‌که به لحاظ محتوایی فیلم جایگاه بالایی داشت، جایزه زیادی نگرفت.

◇ بالاخره با «در مسیر تندباد» و «هامون» به نوعی جشنواره فجر به فیلم‌هایی که تهیه کردید، روی خوش نشان داد. به نظرتان در سال‌هایی که این دو فیلم در جشنواره بودند، ذائقه جشنواره تغییر کرده بود، یا ترکیب داوران به این نتیجه منجر شد که فیلم‌ها جایزه‌های مهمی بگیرند، یا این‌که به‌هرحال در رقابتی که وجود داشت، این نتیجه به دست آمد؟

همه مسائلی که شما به آن‌ها اشاره کردید، تاثیر داشت، به اضافه شرایط. من شرایط و فضایی را هم که در آن زمان بر جشنواره‌ها حاکم بود، به نکاتی که شما اشاره کردید، اضافه می‌کنم. شرایطی که بیرون از سینما حاکم است، همیشه در مسئله دیده شدن یا جایزه گرفتن یک اثر تاثیر دارد. درباره «هامون» باید بگویم کار سینمایی فوق‌العاده خوبی بود. این فیلم خودش یک سینماست. بازی بی‌نظیر خسرو شکیبایی در این فیلم هم یک امتیاز مثبت به همه ویژگی‌های دیگر این فیلم اضافه کرد و به عقیده من حضور خسرو در این فیلم به نتیجه بی‌نظیر آن کمک بیشتری کرد. «در مسیر تندباد» هم برای شرکت فیلم‌سازی ما یک تجربه خاص و متفاوت بود. بخش عمده‌ای از این فیلم در شیراز فیلم‌برداری شد. تمام شهر در اختیار ما بود. شاید الان به هیچ عنوان این شرایط برای تولید هیچ فیلمی امکان‌پذیر نباشد. کارگردانی مسعود خان جوزانی هم در این فیلم به نظر من بی‌نظیر است. بخشی از کار در بویراحمد فیلم‌برداری شد، که آن هم از تجربه‌های کم‌نظیر ما بود. این فیلم به نظرم یک فیلم تاریخی بسیار مهم است و به نوعی بخشی از تاریخ مقاومت ملت ایران در مقابل فاشیست‌ها، نازی‌ها و روس‌ها در آن روایت می‌شود. مسعود خودش هم می‌دانست که چه کار پرزحمتی را می‌سازد و طبیعی بود که با وجود همه این شرایط، این فیلم‌ها مورد توجه داوران جشنواره قرار بگیرند و برنده جوایزی شوند. فارغ از همه هزینه‌هایی که برای ساخت «در مسیر تندباد» شد، زحمت زیادی برای

همیشه بر این باورم که نظر داوران در هر جایی محترم است، حتی اگر طبق نظرشان فیلم من جایزه نگیرد. کما این‌که در دوره‌ای از جشنواره درباره «اجاره‌نشین‌ها» این اتفاق افتاد و با وجود مورد توجه قرار گرفتن این فیلم از سوی مردم و هم این‌که به لحاظ محتوایی فیلم جایگاه بالایی داشت، جایزه زیادی نگرفت

فیلم سینمایی اجاره نشین ها

ساخت آن در زمینه کارگردانی هم کشیده شد. آقای جوزانی خودش هم معتقد است که این فیلم یکی از بهترین کارهایش است.

◇ شما با کارگردان‌های مطرح زیادی در مقام تهیه‌کننده همکاری داشتید؛ از داریوش مهرجویی و علیرضا داودنژاد تا جعفری جوزانی و ناصر تقوایی و تعدادی دیگر. همکاری‌تان با این کارگردان‌ها چطور رقم می‌خورد؟ از آن‌ها شناخت داشتید، یا فیلمنامه کارهایشان مجابتان می‌کرد که تهیه‌کنندگی فیلم‌هایشان را بر عهده بگیرید؟

شرکت فیلم‌سازی ما اولین کارش را با داودنژاد و فیلم «جایزه» انجام داد؛ فیلم‌سازی که برای من خیلی قابل احترام است. بعد هم همکاری با کارگردان‌های دیگر اتفاق افتاد. البته این‌طور نبود که من هر کاری را قبول کنم. چون به عنوان تهیه‌کننده برای خودم خط فکری داشتم، با کارگردان‌های زیادی صحبت می‌کردم. خیلی‌هایشان با وجود این‌که کارگردان‌های مطرحی بودند و دوست و رفیق هم بودیم، به نتیجه نمی‌رسیدم و نمی‌توانستم تهیه‌کنندگی کارشان را قبول کنم. چون من هم اصول خودم را داشتم و به یک اندیشه پای‌بند بودم. من به فیلمنامه کارها خیلی اهمیت می‌دادم. آن‌ها را با دقت می‌خواندم و بعد هم با کارگردان

فیلم سینمایی هامون

صحبت می‌کردم. با همه کارگردان‌هایی که با آن‌ها کار کرده‌ام، تفاهم زیادی داشتم و به همین دلیل همکاری ما شکل می‌گرفت. به عنوان یک تهیه‌کننده کار را انتخاب می‌کردم و دوست نداشتم با هر کارگردانی کار کنم. البته شاید من هم در مواردی اشتباه کردم، ولی درنهایت همه چیز را با سلیقه خود انتخاب می‌کردم. البته کارگردان‌ها هم اصول من را به عنوان آدمی که فقط در فیلم سرمایه‌گذار نیست و به عنوان تهیه‌کننده خودش کمی صاحب تفکر است، قبول می‌کردند.

◇ سیمرغ فجر برای شما در مقام تهیه‌کننده‌ای که با اندیشه کار می‌کردید، چه معنایی داشت؟ شما یک بار هم جایزه بهترین تهیه‌کننده بعد از انقلاب را گرفتید. این جایزه با سیمرغ‌هایی که برای فیلم‌های دیگرتان گرفتید، فرقی هم داشت؟

از سیمرغ‌هایم به عنوان جایزه خوشحال بودم. اما درباره جایزه‌ای که به عنوان بهترین تهیه‌کننده بعد از انقلاب گرفته‌ام، باید بگویم برای من یک نکته بسیار ارزشمند جدای از همه جوایزی که در جشنواره فجر گرفتم، داشت و آن نگاهی بود که در پس اهدای این سیمرغ به من وجود داشت؛ این‌که جایزه‌ای را به یک تهیه‌کننده یهودی فارغ از هرگونه موضع‌گیری اعتقادی و مسائلی از این دست بدهند. به جرئت می‌توانم بگویم برای شخص خودم اهمیت هیچ‌کدام از جایزه‌هایی که گرفتم، حتی دکترای افتخاری که به من دادند، به اندازه این جایزه نبوده. به نظر من آن سال جرئت کردند که این جایزه را به یک فرد یهودی بدهند. در نظر گرفتن یهودی بودن من خیلی برایم مهم بود. اهمیت این جایزه بعد از سال‌ها هنوز هم برای من وجود دارد و دوستش دارم. به نظرم آن سال هیچ تنگ‌نظری در اهدای این جایزه وجود نداشت و با وسعت فکر آن را به من دادند. لوحم را هنوز هم دارم. در اتاقم و بالای دیوار نصب کردم.

◇ آن سال‌ها جایزه‌های فجر شرایط تسهیل ادامه راه را فراهم می‌کرد؟ از کمک‌هایی که بخش دولتی بتواند به تولیدات سینمایی شما داشته باشد تا غیره...

از سیمرغ‌هایم به عنوان جایزه خوشحال بودم. اما درباره جایزه‌ای که به عنوان بهترین تهیه‌کننده بعد از انقلاب گرفته‌ام، باید بگویم برای من یک نکته بسیار ارزشمند جدای از همه جوایزی که در جشنواره فجر گرفتم، داشت و آن نگاهی بود که در پس اهدای این سیمرغ به من وجود داشت

اصلا این‌طور نبود. ما خودمان یک شرکت فیلم‌سازی بودیم. در مواقعی پیش می‌آمد که خودمان دچار کمبود نقدینگی می‌شدیم، اما شرایط برای ما این‌گونه بود که ترجیح می‌دادیم خودمان از بانک وام بگیریم، چراکه خودمان اعتبار بانکی داشتیم. من هیچ‌وقت از هیچ کمک دولتی یا اسپانسر استفاده نکردم و صرفاً با سرمایه خودمان فیلم‌ها را تولید می‌کردیم. تنها چیزی که ما از آن استفاده می‌کردیم، آکسسوار و وسایل مورد نیاز فیلم‌برداری یا نگاتیو بود که فارابی در اختیارمان می‌گذاشت و ما هم اجاره‌اش را پرداخت می‌کردیم. تنها ویژگی خاصی هم که برای ما داشت، این بود که چک می‌دادیم و بعد از ساخت فیلم نقد می‌شد. «کیمیا» یکی از فیلم‌های جنگی سینمای ایران است که آن هم قطعا تولید سختی داشته است. نتیجه این کار هم به‌نسبت خوب دیده شد.

◇ از تجربه همکاری با احمدرضا درویش و هم‌چنین حضور در آن دوره فجر بگویید.

«کیمیا» به نظر من از نظر زمان فیلم دو قسمت است؛ قسمت اول آن چیزی که در آبادان اتفاق می‌افتد و تا همین‌جا این فیلم به نظر من بهترین فیلم در حوزه دفاع مقدس است. شکل تجاوز عراقی‌ها به ایران بدون شلیک هیچ گلوله‌ای به شکل بسیار استادانه‌ای به کارگردانی احمدرضا درویش به تصویر کشیده شده است. قسمت دوم فیلم هم آن چیزی است که بر اساس داستان اتفاق می‌افتد و شاید از نظر من نقطه خاصی نداشته باشد. اما همه آن‌چه باید به لحاظ مفهوم و پیام فیلم بیان شود، در همان ۲۵ دقیقه اول است که باز هم بازی هوشمندانه خسرو شکیبایی آن را متمایزتر کرد.

◇ به طور کلی وقتی به نسبت خود با جشنواره فجر نگاه می‌کنید، خاطره خوبی از آن در ذهنتان نقش می‌بندد؟

بله، فجر نگاه خوب و معمولا منصفانه‌ای به فیلم‌های من داشته. اگر هم در دوره‌هایی فیلم‌های من برنده نشده، سلیقه هیئت داورانش بوده و هیچ‌وقت اعتراضی به این قضیه نداشتم. اما مهم‌ترین اتفاقی که در جشنواره فجر می‌افتد، به نظر من شرایطی است که برای تجمع علاقه‌مندان به سینما و فیلم‌های سینمایی فراهم می‌شود. این‌که در طول آن ۱۰ روز برگزاری جشنواره همه علاقه‌مندان می‌توانند دور هم جمع شوند، فیلم‌ها را ببینند، درباره آن‌ها با هم گفت‌وگو کنند، بحث و تبادل نظر داشته باشند، خود هنرپیشه‌ها و فیلم‌سازان در این رویداد حضور داشته باشند، همه باعث به وجود آمدن یک فضای دوستانه می‌شود، که اگر حتی نقدی هم وجود داشته باشد، می‌تواند در همان فضای دوستانه شکل بگیرد و باعث ناراحتی هیچ‌کس نشود. گرد هم آمدن سینمایی‌ها، رسانه‌ها، خود فیلم‌سازان و صاحبان آثار به نظر من یکی از مثبت‌ترین نکات جشنواره فیلم فجر است. از طرف دیگر، من به عنوان یک تهیه‌کننده به نگاه مردم و تماشاچیان هم خیلی اهمیت می‌دهم، که اگر آن‌ها نباشند، اساسا سینمایی وجود نخواهد داشت. اگر تماشاچی از سینما حذف شود، سینما دیگر معنایی ندارد و کار یک فیلم‌ساز هم کاری عبث است. پس هیاهوی مردم برای برگزاری جشنواره هم جالب و قابل توجه است.

◇ تصور می‌کنید وجود این جشنواره چه تاثیری در روند سینمای ایران داشته؟ یا این‌که اساسا خودش هم تابعی از این سینما بوده؟

به نظر من نمی‌شود این دو مورد را مجزا از هم بررسی کرد. هر دوی این‌ها، چه جشنواره بر سینما و چه سینما بر جشنواره، تاثیر متقابل و هم‌زمان با هم داشتند و دارند. شاید بتوانیم بگوییم سینما باعث شده جشنواره به وجود بیاید، اما در طول زمان این دو لازم و ملزوم یکدیگر شدند. حتی اگر لازم و ملزوم یکدیگر هم نباشند، بر هم تاثیر زیادی دارند و یک رابطه دیالکتیکی و متقابل با یکدیگر دارند.

فیلم سینمایی ای ایران

یادداشت

خوانش داوری در نگاه داوران جشنواره

بیا این داوری‌ها را به نزد داور اندازیم

رضا صائمی

ترکیب داوران سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر با واکنش‌های مثبت حتی از سوی مخالفان برگزاری جشنواره مواجه شد. همه آن‌ها اتفاق نظر داشتند که ترکیب هیئت داوری امسال با رویکردی جوان‌گرا و نگاهی نو به سینما بوده و می‌تواند در ارتقای کیفیت داوری‌های تاثیر مثبت بگذارد. واقعیت این است که در دو دهه اخیر بهترین فیلم‌ها و پدیده‌های جشنواره به نسل جدید فیلم‌سازان و بازیگران تعلق داشت و حالا انتخاب نمایندگانی از همین نسل در هیئت داوران به نوعی انطباق ساختاری و سینماشناختی بین صاحبان آثار و داوران آثار است و می‌تواند به والایش معیارهای داوری کمک کند. در گفت‌وگویی که با هفت داور جشنواره امسال صورت گرفته هم می‌توان این سنخیت و اشتراک نظر در معیارهای داوری را شاهد بود. در این یادداشت به خوانش معیارهای داوری از منظر نگاه داوران جشنواره می‌پردازیم تا مولفه‌ها و محورهای مهم آن را مورد بازشناسی قرار دهیم. داورانی که معتقد به تنوع تخصص‌ها و جریان‌های مختلف در ترکیب داوران بودند و حتی چند نفری که پیش‌کسوت‌تر محسوب می‌شدند، حضور داوران جوان را در این ترکیب، به فال نیک گرفته و آن را برآمده از نگاه نو به سینما و ارزیابی آثار سینمایی می‌دانستند. در واقع مولفه جوان‌گرایی از مهم‌ترین مولفه‌های نگاه داوران جشنواره امسال بود که آن را نه از حیث کمی و سنی که از حیث کیفی و نواندیشی سینمایی صورت‌بندی می‌کردند. ضمن این‌که تصمیم و خرد جمعی را به عنوان سلوک داوری یک اصل اخلاقی در داوری‌ها می‌دانند و عنصری مهم در شکل‌گیری و تثبیت داوری عادلانه. نکته جالبی که در این‌باره بیان شد، به صحبت‌های بهرام توکلی برمی‌گشت که معتقد بود کار ما ارزیابی و قضاوت این آثار نیست، بلکه فرصت و مجالی است تا فرصت و مجالی عادلانه برای دیده شدن زحمات آن‌ها که برای تولید فیلم تلاش کردند، فراهم شود، که زنده بودن و پویایی نیروی انسانی سینما بزرگ‌ترین سرمایه سینمای ایران است و باید به‌درستی از آن صیانت کرد. واقعیت این است که بسیاری از این داوران در حوزه تخصصی خود طی دو دهه اخیر از پدیده‌ها و خالقان نگاه نو به سینما بودند و قطعا تجربه زیسته حرفه‌ای آن‌ها در سینما می‌تواند به ارتقای کیفی داوری کمک کند. در کنار مولفه جوان‌گرایی و خرد جمعی، مولفه دیگری که داوران بر آن تاکید داشتند، اهمیت عنصر فرم و ملزومات زبان و بیان سینمایی در داوری‌ها بود. به این معنا که ساختار هنری آثار و فرم زیبایی‌شناسی آن‌ها معیار و محک عینی در داوری است و داوری را از امری سوبژکتیو به امری ابژکتیو بدل می‌کند که حاصل آن تخصصی شدن امر داوری و پرهیز از مضمون‌زدگی یا سلیقه‌های شخصی درباره سینما و فیلم خوب است. مجموعه این مولفه‌ها نشان می‌دهد که آن‌چه بیش از هر چیز محک و معیار داوران جشنواره است، خود سینماست.

بازدید رئیس سازمان سینمایی از ستاد جشنواره

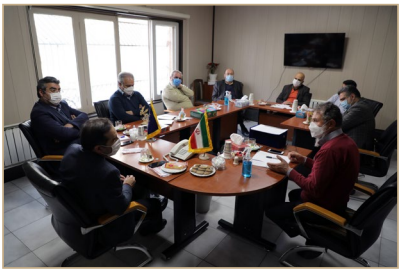

آتلیه فجر

آتلیه فجر

آتلیه فجر

فجرنامه

هارون یشایایی؛ تهیه کننده برگزیده جشنواره فیلم فجر

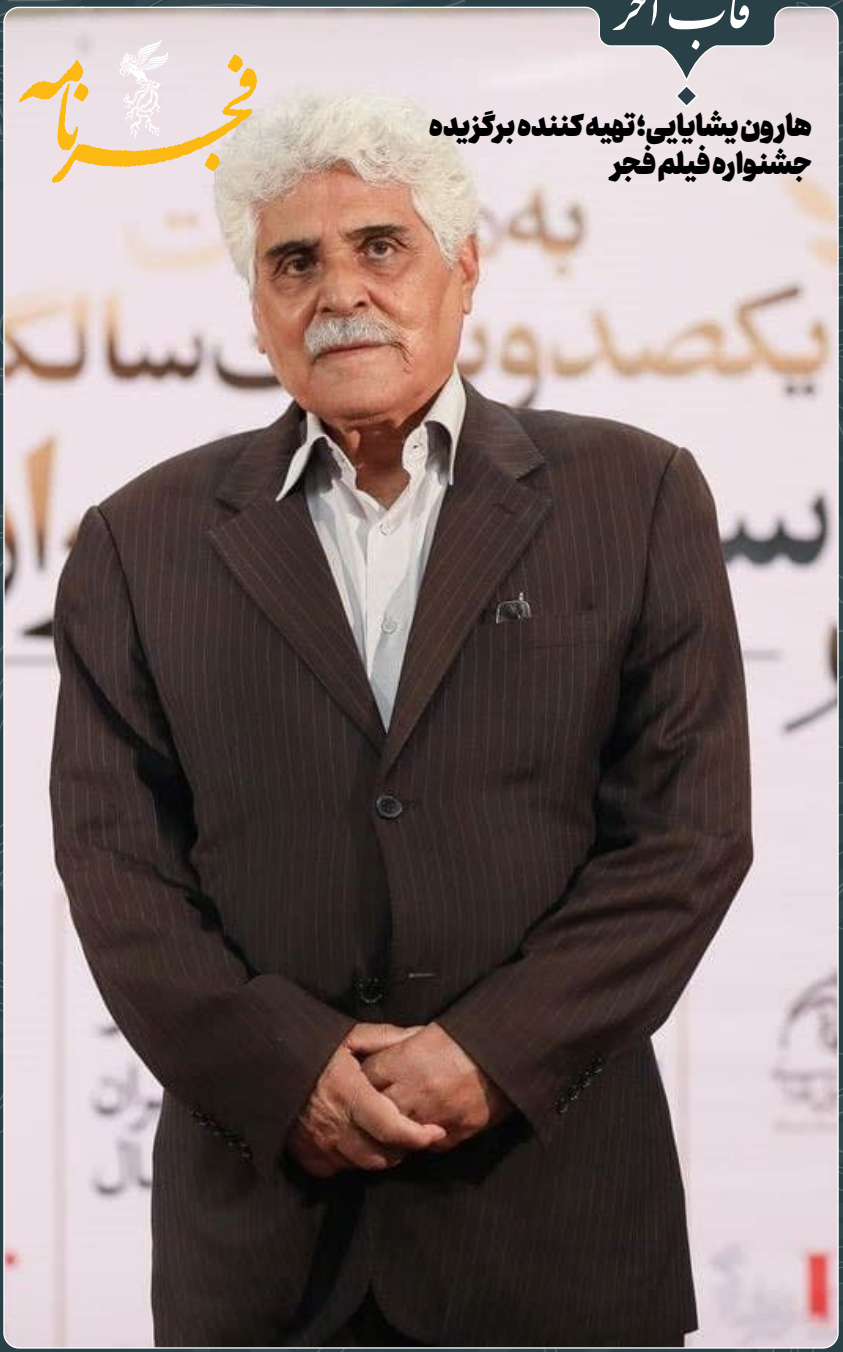

عکس: نازی خوش‌اخلاق